



بهره‌عالم‌تن است و ایران دل

زاکری شناسی
ویژه‌نامه مجله عقیق غرب
سال اول شماره اول پاییز ۱۳۹۹

زاکری منشاء و خاستگاه انسان

سخنان رئیس بنیاد ایران‌شناسی در همایش بین‌المللی زاکری شناسی

استفاده از ایران‌شناسی در مسیر توسعه
[استاندار همدان]

شرق‌شناسی مقدمه کشورشناسی
[مدیرعامل موسسه غیردولتی کشورشناسی]

نپاوند در دل زاکری

[مدیرمسئول مجله عقیق غرب]

بازتاب زبان‌های باستانی در گویشی امروزی

زاکری محمل انتقال فرهنگ ایرانی
[معاون پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی]

نپاوند نگین رشته‌کوه زاکری
[فرماندار نپاوند]

از ایران‌شناسی تا زاکری شناسی
[رئیس دفتر منطقه‌ای زاکری]

زاکری مهد ظهور و توسعه مفرغ



بنیاد ایران‌شناسی
دفتر منطقه‌ای زاکری

عقیق
مجله ماهانه
فرهنگ، اجتماع و کمی سیاست



حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

عنصر تحقیق و پژوهش در همه جا به صورت یک اصل در مجموعه کارها باید مورد توجه قرار گیرد.

حضرت آیت الله سید محمد خامنه‌ای

ملتی که تاریخ ندارد، یک ملت گمشده و بی هویت است و کوشش دشمنان و غرض ورزان تاریخی، در قرون اخیر، بر آن بوده تا عظمت هویت ایرانی، را که بر آن آگاهی داشته‌اند، نشان داده نشود. بر این اساس، هدف ما در بنیاد ایران شناسی شناخت و معرفی صحیح و کامل ایران - به عنوان پرچم دار علم، اخلاق و فلسفه - به بشریت است.



بنیاد ایرانی شناسی و فرهنگ ایرانی

ویژه نامه مجله عقیق غرب در حوزه تمدنی - فرهنگی زاگرس
با همکاری بنیاد ایران شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: شیما حیدری

جانشین مدیرمسئول و سردبیر: محمدرضا عطایی

طراحی: آتلیه عقیق

چاپ: پیشگام

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی: نهاوند، بلوار شهید بهشتی، ساختمان بنیاد ایران شناسی، واحد ۲

صندوق پستی: ۳۱۳-۵۸۹۱۵ تلفکس: ۰۸۱-۳۳۳۴۶۶۸۰

E-mail: zagrosology@gmail.com

www.aqiqzarin.ir

www.zagrosology.ir

فهرست

- ۲ اخبار دفتر منطقه‌ای زاگرس
- ۴ چرا زاگرس شناسی
- ۶ زاگرس منشاء و خاستگاه انسان
- ۸ زاگرس محل انتقال فرهنگ ایرانی
- ۱۰ استفاده از ایران شناسی در مسیر توسعه
- ۱۱ نهاوند نگین رشته کوه زاگرس
- ۱۲ از ایران شناسی تا زاگرس شناسی
- ۱۴ شرق شناسی مقدمه کشور شناسی
- ۱۸ زاگرس مهد ظهور و توسعه مفرغ
- ۲۰ مقاومت اتابکان لر کوچک...
- ۲۵ نهاوند در دل زاگرس
- ۲۶ گردشگری شهری موتور محرک نهاوند
- ۲۸ سفرنامه عراق عجم
- ۳۱ نهاوند در نزهة المشتاق
- ۳۲ جنید از نهاوند تا بغداد
- ۳۴ قدم به قدم با مهدی طالب
- ۳۶ رشته کوه گرو قلب زاگرس
- ۳۸ بازتاب زبان های باستانی در گویشی امروزی
- ۴۰ ضرب المثل های نهاوندی

بنیاد شرکت کرد.

علیرضا شهبازی گفت: وجود بنیاد ایران شناسی در نهاوند یک ظرفیت است و به صورت تمام قد حامی برنامه‌ها و اقدامات بنیاد هستیم. برای توسعه همه جانبه نهاوند، نیاز به کمک همه مردم شهرستان و مسئولین هستیم.

پژوهش در حوزه ایثار و مقاومت



نشست اعضای بنیاد ایران شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس با سردار مهدی ظفری، مدیرکل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان همدان به منظور هماهنگی جهت اقدامات پژوهشی و تدوین کتاب پیرامون زندگی شهید آیت الله محمدعلی حیدری و آیت الله علی قدوسی در مجموعه باغ موزه دفاع مقدس استان همدان برگزار شد.

پژوهش محور برنامه‌های شهرستان نهاوند



فرماندار نهاوند گفت: هر جامعه‌ای که هدف آن پژوهش باشد قبل از هر گونه تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی خواهد داشت. ما نیز با این دید از ایده تشکیل کمیته پژوهشی با دو نگاه بررسی نقاط قوت و ضعف کارهای اجرایی و نیز آماده‌سازی جهت مقابله با شرایط پسا کرونا و پایین آوردن ضرب خط استقبال کرده و این مهم را به مشارکت بنیاد ایران شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس به مرحله اجرا رساندیم.

بنیاد ایران شناسی ظرفیتی برای توسعه نهاوند



فرماندار نهاوند در دیدار با اعضای بنیاد ایران شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس گفت: شهرستان نهاوند توانمندی‌های بسیار خوبی در حوزه‌های مختلف دارد، که استفاده از ظرفیت بنیاد ایران شناسی می‌تواند سبب توسعه بیشتر شود.

مراد ناصری افزود: وجود دفتر منطقه‌ای زاگرس به عنوان تنها نمایندگی بنیاد ایران شناسی در غیر از مرکز استان، در نهاوند خود دلیلی بر اهمیت این شهرستان است.

وی ادامه داد: به عنوان فرماندار نهاوند تا حد توان و با توجه به امکانات پشتیبان تمام اقدامات پژوهشی و کارهایی که به توسعه شهرستان کمک کند هستیم.

رئیس بنیاد ایران شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس ضمن تشکر از حمایت فرماندار نهاوند از اقدامات این دفتر گفت: هدف عالیه بنیاد ایران شناسی که مورد تاکید ریاست بنیاد، حضرت آیت الله سید محمد خامنه‌ای هم هست، پژوهش علمی برای شناخت بیشتر و شناساندن تمام مناطق ایران است.

نماینده نهاوند در دفتر منطقه‌ای زاگرس



نماینده مردم نهاوند در مجلس شورای اسلامی، به منظور اطلاع از روند برنامه‌های بنیاد ایران شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس در جلسه‌ای با حضور اعضای دفتر نماینده و اعضای

ایران ایستاده تا راه را گم نکنیم

بخش‌هایی از یادداشت‌ست رئیس بنیاد
ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس منتشر
شده در روزنامه آرمان ملی ۱۳۹۹/۲/۳۰

در زبان باستانی «ایره» به معنای آزادی و «ان» پسوند مکان است، در نتیجه ایران یعنی سرزمین آزادگان. ایران سرزمینی کهن است که تاریخ مردمانی که در آن زیسته‌اند نشان می‌دهد به راستی سرزمین آزادگان بوده، هست و خواهد بود. زمانی که آموزه‌های نورانی اسلام با سابقه تمدن دیرپای این سرزمین در هم آمیخت، فرهنگ و تمدنی ایرانی-اسلامی را رقم زده که در جهان به زیبایی می‌درخشد.

وقتی از ایران‌شناسی حرف می‌زنیم، زیبایی‌های سرزمینمان به یادمان می‌آید؛ از البرز و زاگرس سرفراز تا دریای کاسپین و خلیج پارس؛ از دلیری مردان و نجابت زنان تا رشادت شهیدان و غیرت رزمندگان؛ که لازم است آنها بشناسیم و به دیگران نیز بشناسانیم، تا راه را گم نکنیم.

ایران‌شناسی کاری مبتنی بر تعصبات جغرافیایی نیست، بلکه نگاهی است بر حقیقتی که در جهان گذشته وجود داشته و در آن کارهایی شده ارزش‌هایی را به عرصه تاریخ آورده و مردان و زنان بزرگی را پرورش داده و در نتیجه راهی را برای یک زندگی و زیست انسانی، مبتنی بر آگاهی، علم و اخلاق ایجاد کرده است.

بخش زیادی از دانسته‌های ما از ایران، برمی‌گردد به تلاش شرق‌شناسان و ایران‌شناسان غربی، گرچه نمی‌توان تمام زحمات آنها را یکسره نادیده گرفت، اما در بسیاری از آنها نیز باید با دیده تشکیک نگریم. به نظر حضرت آیت الله سید محمد خامنه‌ای، ریاست بنیاد ایران‌شناسی «غربی‌ها عامدانه و به غرض، ایران را یک منطقه مبهم و تاریک به لحاظ تاریخی جلوه داده‌اند. آنها کشفیات از هندوستان، مصر و حتی از بین‌النهرین را مرتب مطرح و بزرگمایی می‌کنند، اما به ایران که می‌رسند، سروپوش می‌گذارند؛ چرا که نیاکانشان به آنها گفته‌اند این ملت، ملت بزرگی است؛ اگر موقعیت خودش را بشناسد بر دنیای فکر و علم و عقل مسلط خواهد شد و برای شما جایی باقی نمی‌گذارند».

هویت ملی، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای مقابله با سلطه تمامیت خواه قدرت‌های برتری طلب محسوب می‌شود، به خصوص زمانی که این هویت بر تاریخی چند هزار ساله و تمدنی دیرینه استوار باشد که درون خود مردمی خاداباور، خریدیشه، اندیشه‌ورز، آگاه و پیشرو را به نمایش خواهد گذاشت. شناخت این چنین هویتی و ارج نهادن به آن بی‌شک سدی محکم در برابر تهاجم فرهنگی خواهد بود.

ثبت ملی فرش نهاوند



پس از برگزاری نخستین جشنواره فرش دستباف نهاوند که با همکاری اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان نهاوند، بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس و اداره فرش استان همدان برگزار شد، «مهارت یافت قالی نهاوند» به شماره ۲۰۴۰ در فهرست ملی میراث فرهنگی ناملموس ثبت شد.

راهکارهای عملی هدف پژوهش قرار گیرد



در کار گروه تخصصی کمیته پژوهشی پیشگیری و مقابله با کرونا شهرستان نهاوند ضمن بررسی وضعیت موجود به بحث و تبادل نظر پیرامون اولویت‌های پژوهشی جهت مقابله با بیماری کرونا در سطح شهرستان نهاوند با هدف بومی‌سازی اطلاعات علمی پرداخته و ظرفیت‌های موجود در شهرستان نهاوند بررسی شد.

رئیس بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس گفت: تشکیل کمیته پژوهشی پیشگیری و مقابله با کرونا در شهرستان نهاوند به عنوان طرحی ابداعی برای اولین بار در کشور انجام شده، که مورد حمایت فرماندار شهرستان نهاوند و مجموعه مدیران قرار گرفت. در کار گروه تخصصی، مصوب شد طرح‌های پژوهشی در بخش‌های مختلف برای مدیریت دوران کرونا در دستور کار دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی شهرستان قرار بگیرد.

زاگرس‌شناسی اگر چه نام رشته‌کوه زاگرس را در خود دارد، اما در حقیقت زیرمجموعه‌ای از ایران‌شناسی است و به پژوهش‌های ایران‌شناسانه در حوزه زاگرس می‌پردازد. ایران‌شناسی لفظ نوساخته‌ای است که آغاز کاربرد آن در شرق‌شناسی بود (محیط طباطبایی، ۱۳۵۱: ۵۲۹) عنوان دیگری که برای آن به کار می‌رود «مطالعات ایرانی» است که از نیمه دوم قرن هجدهم میلادی در لغت‌نامه‌های انگلیسی دیده می‌شود. حتی آنتوان میه ایران‌شناس صاحب نام در سال ۱۹۲۲ میلادی، اصطلاح «ایران‌سیسم» را به کار برد؛ در حالی که در همان زمان گایگر، مجله ایران‌شناسی را در آلمان منتشر می‌کرد. (ساجدی، ۱۳۸۴: ۶۳۲) اصطلاح ایران‌شناسی را در ایران، نخستین بار احمد کسروی در مقدمه کتاب شهریاران گمنام (کسروی، ۱۳۰۷: ۱۲) به کار برد؛ و ابراهیم پورداوود در سال ۱۳۰۹ شمسی، آنرا در پیشگفتاری که در برلین بر کتاب دینشاه ایرانی نوشت، تکرار کرد (پورداوود، ۱۳۴۳: ۲۱۹) پس از این استفاده از آن، به تدریج متداول شد.

مطالب ایران‌شناسی به طور معمول یا در مجلات و همایش‌های عملی مطرح می‌شوند یا به صورت شفاهی در فرهنگ عامه مردم حضور دارند؛ زاگرس‌شناسی نیز از این امر مستثنی نبوده و مطرح شدن مطالب علمی برای عموم مردم سابقه چندانی ندارد. از آنجا که مباحث

ایران‌شناسی بیشتر از هر چیز سعی در شناسایی و شناساندن ابعاد مختلف ایران دارد، لازم است جدا از مجامع علمی به میان مردم آمده و به عنوان عنصری هویت‌بخش عموم مردم را با سرمایه‌های بزرگی که در کشور ایران نهفته است آشنا سازد. ناگفته نپیداست که مقالات علمی-پژوهشی اگر چه حاصل تلاش فراوان نویسندگان و پژوهشگران است اما به دلیل سبک خاصی که دارند، چندان برای مخاطب عام جذابیت ندارند. حوزه شفاهی هم به دلایل گوناگون از جمله غیر قابل استناد بودن و در بر گرفتن شبهات متعدد، درد زیادی را از عدم شناخت مردم درمان نمی‌کنند.

ویژه‌نامه زاگرس‌شناسی به منظور پر کردن خلاء موجود از سوی بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس با همکاری مجله عقیق غرب و موسسه فرهنگی غیردولتی کشورشناسی ایران با تمرکز بر حوزه زاگرس میانی منتشر می‌شود. شهرستان نهاوند به دلیل آنکه مرکز فعالیت این دفتر می‌باشد، سهم بیشتری در مطالب را به خود اختصاص داده است.

مخلص شما/ سردبیر

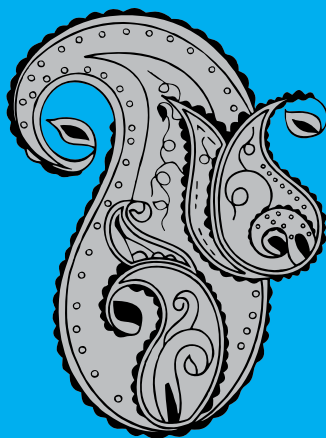
چرا زاگرس‌شناسی

ویژه‌نامه زاگرس‌شناسی با توجه به کمبود منابع علمی برای ارائه مباحث ایران‌شناسی در حوزه زاگرس منتشر می‌شود و هدف آن هویت‌بخشی و بالابردن سطح دانش عمومی در حوزه شناخت بخشی از ایران است.

- کسروی، احمد؛ شهریاران گمنام، تهران: امیرکبیر چاپ دوم (چاپ اول سال ۱۳۰۷) ۱۳۵۳
- محیط طباطبایی، سید محمد؛ «ایران‌شناسی و زبان فارسی» راهنمای کتاب، شماره هفتم و هشتم، مهر و آبان، ۱۳۵۱

- پورداوود، ابراهیم؛ آنایهتا، پنجاه گفتار پورداوود، به کوشش مرتضی گرگی، تهران: ۱۳۴۹
- ساجدی، طهمورث؛ «ایران‌شناسی» در دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، جلد اول، ۱۳۸۴

ب
ر
و
ج
ه
ف
ا
ع
ر
ز
ا
گ
ر
س
ن
ا
س
ی
ت
ن
پ
ا
ک
ه
ف
ق
م
ه
ر
م



فصل اول:

ایران‌شناسی و زاگرس‌شناسی

با مطالبی از:

حضرت آیت الله سید محمد خامنه‌ای / رئیس بنیاد ایران‌شناسی

محمد بهرام‌زاده / معاون پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی

سید سعید شاه‌رخ / استاندار همدان

مراد ناصری / فرماندار نهاوند

محمدرضا عطایی / رئیس بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس

کیانوش کیانی هفت‌لنگ / مدیر عامل موسسه غیردولتی کشورشناسی ایران

گروه باستان‌شناسی بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس

ابراهیم خدایی / مدیر دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران در شهرستان دورود



زاگرس منشاء و خاستگاه انسان

سخنان حضرت آیت الله سید محمد خامنه‌ای
رئیس بنیاد ایران‌شناسی در همایش بین‌المللی زاگرس‌شناسی

انسان چیست؟ و رابطه این دو با هم چیست؟ در اینکه آغاز حیات انسان از کجا آغاز شده هم مباحثی است، که در قرون قدیم از روی برخی تحقیقات طبیعی نتایجی گرفتند که انسان از نسل پست‌تری مثل حیوان یا حیوان‌نما ایجاد شده باشد.

نگاه دینی بر عکس این است و اشاره‌ای به آدم و حوا در همه ادیان بوده و در فرهنگ ما هم هست. اما نکته اول خاستگاه و آغاز کار حیات انسان از کدام سرزمین بوده است؟ یک مشکل علمی و تاریخی است که تقریباً می‌توان گفت به‌جایی نرسیده و عموماً هم غربی‌ها مجبور شدند به یکی از نقاط مشرق ایران یا غرب ایران توجه کنند.

اگر بخواهیم قرائن را ملاک قرار دهیم، خیلی زود انسان به این نقطه می‌رسد که چرا آغاز انسان از ایران نباشد؟ این‌را دیگران هم گفته‌اند. مانند «ویلیام جونز» که در هندوستان و انگلستان تحقیق می‌کرد. در روزهای گذشته نیز خبری از یک محقق ایتالیایی خواندم که گفته بود بشر و تاریخ از منطقه جیرفت شروع شده و ایران را مرکز دانسته است. بعضی دیگر از محققین هم به ایران اشاره کرده‌اند، اما جای خاصی را مشخص نکرده‌اند. من شخصاً به این فکر افتادم که ما با این استعدادی که در زاگرس هست و از شمال غربی تا

ایران سرزمینی است اصیل و دارای ویژگی‌ها و کرامت‌هایی که بشر و علم و دانش از آن برخاسته‌اند و شخصیت‌هایی را از قدیم تا به امروز و بعد از این با استعدادهای فراوان پرورانده و توانسته تاریخی بسیار عمیق و افتخارآمیز برای این کشور ایجاد کند.

ایران‌شناسی کاری مبتنی بر تعصبات جغرافیایی نیست، بلکه نگاهی است بر حقیقتی که در جهان گذشته وجود داشته و در آن کارهایی شده و ارزش‌هایی را به عرصه تاریخ آورده و رجال بزرگی را پرورش داده است و در نتیجه راهی را برای یک زندگی و زیست انسانی -و نه حیوانی- مبتنی بر آگاهی و علم و اخلاق ایجاد کرده است. ما این را زمینه کارهای دیگر بنیاد می‌دانیم که بدانند ایران‌شناسی وظیفه‌ای دارد و اساساً انجام این وظیفه یکی از کارهایی است که بر علم و اطلاع مردم و روشنگری تاریخ هم کمک می‌کند و کار اساسی است و بیشتر از یک کار ملی، دنیای ما به آن احتیاج دارد. امیدواریم که در این زمینه بتوانیم گام‌های بلندی برداریم.

موضوع انسان، موضوع مهمی بوده که برای خود انسان و همیشه این سؤال را ایجاد می‌کرده که چگونه بوده و انسان در ذات و در زندگی و در جهان چه نقشی دارد. جهان چیست؟

حاصلخیز و مناسبی را برای کار کشاورزی و دامپروری محیا می کرده است. بر این اساس می توان این فرضیه را داد که این سرزمین خواستگاه انسان بوده و نسل های انسانی از آن برخاسته اند. البته اگر دلیل علمی از نواحی دیگری ارائه شود، حال چه از خودمان یا از غربی ها و شرقی های دور بدست بیاید که عکس این نتیجه را بدهد، باید تسلیم شد و تعصب به خرج نداد.

باید تا آنجایی که پیش می رویم، اگر دیدیم امید به اینکه این فرضیه ثابت شود زیاد هست و ارزش این را دارد که ما در این موضوع سرمایه گذاری کنیم این تحقیقات ادامه یابد.

این برادر و خواهر ما که از خارج آمده اند، ایرانیان عزیز، این ها تحقیقاتی در دور از اینجا کرده اند و می توانند رابط باشند با کسان دیگری که من اشاره کردم. به تازگی یک ایتالیایی این مطلب را بیان کرده، مجموعاً امیدواریم به نتایج خوبی دست یابیم و این موضوع هم یکی از افتخارات این کشور بشود.

غربی ها عامدانه و به غرض ایران را یک منطقه مبهم و تاریک به لحاظ تاریخی جلوه داده اند. آنها کشفیاتی از هندوستان، مصر و حتی از بین النهرین را مرتب مطرح و بزرگنمایی می کنند، اما به ایران که می رسند، سرپوش می گذارند؛ چرا که نیاکانشان به آنها گفته اند این ملت، ملت بزرگی است؛ اگر موقعیت خودش را بشناسد بر دنیای فکر و علم و عقل مسلط خواهد شد و برای شما جایی باقی نمی گذارند.

یکی از جلوه های روحیه بلند ایرانی همین انقلاب اسلامی ایران است، که امروز در دنیا دارد ملت ها را رهبری می کند و به مردم دنیا این نوید را می دهد که روز بهتری از راه خواهد آمد و ظلم و ظالمان و ستمگری هر دو از بین می روند.

به برکت علم و آگاهی که انسان در این سرزمین می بیند، در عرصه علم و فرهنگ و تمدن، از هزاران سال پیش تاکنون، ایرانیان خیلی خدمت به بشریت کرده اند. در بنیاد حکمت اسلامی صدرا تحقیقاتی درباره پیشبرد علوم و حکمت، اخلاق و ترویج اخلاق، تولید تمدن و علم، نشر تمدن و فرهنگ والای انسانی انجام شده که، بر پیشقدم بودن ایرانیان در این حوزه ها صحنه می گذارد. تاریخ غرب هم دارد به مرور تغییر می کند و از آن خودستایی ها دور می شود.

من خیلی امیدوارم و می خواهم امید بدهم که هیچ وقت مایوس نشوید و کار را برای خود ارزش کار و با علم انجام دهید. هر نتیجه ای بدست بیاید، مطلوب است. امیدوارم ان شاء الله این همایش بتواند ابهام های تاریخی را بردارد و ما را بیشتر به پیش برد و راه را برای آیندگان و کسانی که در سرزمین های دیگر هستند، باز کند ان شاء الله.



جنوب شرقی همچون حمایلی بر سینه ایران نشسته و همه جور استعدادی را برای اینکه پایگاه و خاستگاه انسان باشد، داراست؛ چرا منشاء انسان نباشد؟

برای اثبات این قضیه، یکی از بهترین و محکمترین مدارک ما، مدارک باستان شناسی است؛ تاریخ ما باید بر اساس معلومات و تحقیقات باستان شناسی پایه گذاری شود. وقتی نگاه می کنیم در این زمینه بعضی قرائن هست و همین جا در جلساتی که داشتیم و متخصصان بحث کردند، آثار طبیعی موجود در ایران از قبیل آثار باستانی که در کوه ها و اراضی گوناگون کشف شده اند، می تواند مؤید این باشد که تاریخ زیست در ایران و در نواحی زاگرس خیلی قدیمی تر از چیزی است که در تاریخ ذکر شده است.

اگر باستان شناسی پایه استوار آنرا بگذارد و بقیه به عنوان مؤیدها بیایند در وسط کار، می توان این مسئله را به صورت علمی و کامل از آب درآورد و ثابت کرد که در منطقه زاگرس به دلیل امکانات زیاد و خوبی که در آن برای زیست بشر وجود داشته - از حیث وجود آب و هوا، از حیث وجود زیستگاه های طبیعی و غارها، از لحاظ آب و مواد غذایی - زمین های



محمد بهرامزاده*

معاون پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی

زاگرس محل انتقال فرهنگ ایرانی

زاگرس مهم‌ترین پهنه جغرافیایی فرهنگی در توسعه فرهنگ و تمدن انسان ایرانی و انتقال آن به دیگر نقاط دنیا در تهاتر با دیگر فرهنگ‌های همسایه بوده است و یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ و صیانت از اتحاد اقوام ایرانی به شمار می‌رود؛ جایگاه ژئوپولیتیک زاگرس، گاه بدان قابلیت دفاعی بخشیده و گاه همچون پلی استوار محل انتقال فرهنگ ایرانی از زاگرس به دیگر مناطق دنیا شده است.

حاصل‌خیزی در ارتباط بوده است. اقوام ساکن در زاگرس و حوزه پیرامونی آن بخش بزرگی از کهن‌ترین اقوام ایرانی را تشکیل می‌دهند که در روزهای دشوار به یاری فرهنگ، تمدن و تاریخ ایران زمین شتافته‌اند.

زاگرس خاستگاه اساطیر کهن ایرانی و خاستگاه بسیاری از رب‌النوع‌ها و ربه‌النوع‌های بین‌النهرین و حتی اساطیر مشهور میان‌رودانی است. به قطع می‌توان اظهار داشت که جایگاه ژئوپولیتیک زاگرس، گاه بدان قابلیت دفاعی بخشیده و گاه همچون پلی استوار محل انتقال فرهنگ ایرانی از زاگرس به دیگر مناطق دنیا شده است.

این پهنه جغرافیایی در برگیرنده حوزه‌های متداخل فرهنگی پرشمار از جمله زبان و گویش، پوشاک، خوراک، آداب، رسوم و سنن مشترک از دوران پیش از تاریخ تا امروز بوده و هست. به همین روی آنچه امروز از زبان مردمان بوشهر جاری می‌شود در گوش مردمان کرد زاگرس آشنا و مفهوم

نقش زاگرس به عنوان

ستون فقرات فرهنگ ایرانی و

محور تعاملات منطقه‌ای و

فرامنطقه‌ای از دوران پیش از

تاریخ تا به امروز، می‌تواند مدلی برای ایجاد رویه‌ای ملی در راستای پاسداری از ارزش‌های فرهنگی - تاریخی ایران زمین باشد.

گذشته از آن، نظریه‌های امروزی با عناوین ساخته و پرداخته در شرایط و مقتضیات اجتماعی موجود، به دلیل عدم اطلاع پدیدآورندگانشان، به دوران پیش از تاریخ ایران توجهی ندارند و آغاز اندیشه و خرد ایرانی را آغاز تاریخ مدون آن دانسته و به میراث ارزشمند این سرزمین پیش از خوانش نام ایران اعتنایی ندارند.

این عارضه طبیعی و این پهنه وسیع جغرافیایی با اشتراک‌گذاری مؤلفه‌های پرشمار فرهنگی مهمی با هلال

کتابخانه



کتاب گنجینه اسناد بنیاد ایران شناسی

مجرى طرح: حمید افشار

انتشارات بنیاد ایران شناسی، چاپ اول: ۱۳۹۴

قطع: رحلی

تعداد صفحات: ۳۲۰ صفحه

بهاء: ۱/۴۰۰/۰۰۰ ریال

اسناد و اوراق برجای مانده از گذشته، حاوی اطلاعات مفید و گسترانندگی از واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، تاریخی و یا اقتصادی دوران‌های مختلف‌اند و بنابراین یکی از مهمترین منابع پژوهش در دوران معاصر محسوب می‌شوند. حقیقت نهفته در این اسناد که در یک زمان و مکان واقعی شکل گرفته‌اند؛ موجب ارزش و اعتبار ذاتی آنهاست. از اینرو چنین مدارکی نه تنها وسیله‌ای برای درک و شناخت مسائل پوشیده یک جامعه‌اند؛ بلکه به جهت در اختیار قراردادن اطلاعات فراوان، در مورد فعالیت‌های روزمره زندگی و روابط اجتماعی حاکم بر آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در این کتاب، ۹۷ برگ از اسناد تاریخی موجود در کتابخانه و مرکز اسناد بنیاد ایران شناسی بازخوانی، طبقه‌بندی و معرفی شده است.

است؛ آنچه در پوشاک زنان ایل قشقایی، بختیاری، کرد و لر به عنوان شاخص زیبایی و وقار شناخته شده همان مفهوم را در پوشاک زنان طالقانی و آذری دارد. لزوم اتحاد اقوام ایرانی و مقابله با تفکر مذموم نئوناسیونالیسم ایرانی در تخطئه و کوچک شمردن برخی از اقوام و خویشاوندان کهن ایرانی که به استناد مدارک باستان‌شناختی پیش از خوانش نام این سرزمین با عنوان ایران، نه تنها در کنار هم که عجین با یکدیگر تقویم و تقدیر تاریخی این سرزمین را رقم زده‌اند، از مسیر شناخت زاگرس بیش از گذار از هر مسیر دیگری میسر است.

اقوام ساکن در زاگرس و حوزه پیرامونی آن بخش بزرگی از کهن‌ترین اقوام ایرانی را تشکیل می‌دهند که در روزهای دشوار به یاری فرهنگ، تمدن و تاریخ ایران زمین شتافته‌اند

پیشرفت علوم وابسته به باستان‌شناسی و نیز علم نسب‌شناسی، امروز ما را در میزان و چگونگی حضور انسان ایرانی در دیگر مناطق دنیا یاری می‌دهد و بر همین اساس امکان دریافت‌های بیشتری برای شناسایی نخستین انسان زاگرس، گمانه‌زنی برای خاستگاه انسان ایرانی و پراکنش نژادی او به دیگر نقاط دنیا وجود خواهد داشت. با مقایسه و مطابقه مدارک نویافته باستان‌شناختی در زاگرس و نواحی پیرامون و بنیان نهادن مراکز علمی برای توسعه شناخت از جوامع انسانی در ایران پیش از تاریخ، بر دانش زاگرس نیز افزوده خواهد شد. از رهگذر مطالعه اجمالی حاضر باید اذعان داشت که زاگرس مهم‌ترین پهنه جغرافیایی فرهنگی در توسعه فرهنگ و تمدن انسان ایرانی و انتقال آن به دیگر نقاط دنیا در تهاوت یا دیگر فرهنگ‌های همسایه بوده است و یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ و صیانت از اتحاد اقوام ایرانی به شمار می‌رود.

در این مجال وظیفه خود می‌دانم مراتب قدردانی خویش را از بانیان و پدیدآورندگان ویژه‌نامه مجله عقین غرب با عنوان زاگرس‌شناسی اعلان داشته و دعای خیر خویش را در راستای تقویم فرهنگ و تمدن سترگ اسلامی- ایرانی بدرقه راهشان دارم. بر خود لازم می‌دانم از حمایت‌های بی‌دریغ اساتید محترم همدان جناب آقای مهندس شاهرخی و فرماندار محترم نهاوند جناب آقای ناصری در همکاری با نمایندگی بنیاد ایران‌شناسی تشکر کرده و همچنین از زحمات و پیگیری‌های همکاران شعبه منطقه‌ای زاگرس صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

♦ دکترای باستان‌شناسی



سید سعید شاهروخی
استادفادر همدان

استفاده از ایران‌شناسی در مسیر توسعه

که مورد حمایت و توجه مسئولین اجرایی استان همدان بوده و همچنان در جلسات عمومی و خصوصی بر آن تاکید می‌شود.

استفاده از ظرفیت‌های خاصی که در استان وجود دارد، برای معرفی استان و بهره‌برداری از آنها به منظور توسعه همه‌جانبه، از مهمترین مواردی است که در سند توسعه نیز به آن اهتمام ورزیده شده و این مهم جز با شناسایی دقیق این ظرفیت‌ها امکان‌پذیر نخواهد شد.

در اهمیت جایگاه استان همدان در حوزه مطالعات ایران‌شناسی، ذکر همین نکته کافی است که تنها استانی است که دو نمایندگی بنیاد ایران‌شناسی در شهرهای همدان و نهاوند در آن دایر و مشغول فعالیت می‌باشند. در جلسات متعدد گزارش فعالیت‌های بنیاد ایران‌شناسی، پژوهش‌ها و اقدامات آنها، جایگاه استان همدان را بیش از پیش مشخص می‌کند. استان همدان تداعی‌کننده یک تداوم فرهنگی از چندین هزاره پیش تا کنون است و شاید در کمتر نقطه‌ای از دنیا بتوان این حجم از تمدن و فرهنگ را در چنین وسعتی مشاهده کرد.

اما ناگفته پیداست، تمام تلاشی که تا امروز انجام شده؛ گرچه جای تقدیر و تشکر دارد، بخش کوچکی از ظرفیت‌های استان همدان را به عرصه ظهور آورده و لازم است پژوهشگران در این خصوص تلاش بیشتری نمایند و بی‌شک در این راستا حمایت و همکاری مسئولین اجرایی استان نیز یاری‌گر آنها خواهد بود.

رشته کوه زاگرس از شمال غرب تا جنوب شرق کشور عزیزمان گسترده شده و از دیرباز مهد تمدن، تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین در میانه زاگرس بوده است. استان همدان که با نام پایتخت تاریخ و تمدن ایران شناخته می‌شود، نقطه ثقل این تمدن و فرهنگ بوده و هست. یافته‌های باستان‌شناسی، شخصیت‌های گران‌سنگ و آثار فرهنگی در جای جای استان همدان نشان از همین موضوع دارد.

استان همدان تلفیقی از لایه‌های تاریخی از دوران باستان تا معاصر است که آثار ارزشمندی از این ادوار به عنوان ارثیه‌ای جاویدان به یادگار مانده و این خطه را به سلسله تاریخ و تمدن ایران زمین تبدیل کرده که آوازه آن مرزهای جهانی را پشت سر گذاشته است. شناخت همه‌جانبه استان به منظور یافتن آنچه داریم و تلاش برای شناساندن ابعاد مختلف آن به دیگران، یکی از دغدغه‌هایی است که همواره مطرح بوده و هست. زیرا تا زمانی که به دانش کافی در این خصوص نرسیم، نمی‌توانیم آنچه را که هست به درستی نمایان سازیم.

انتخاب همدان به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای آسیایی در سال ۲۰۱۸، انتشار دانش‌نامه همدان، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی پیرامون موضوعات مختلف مطرح شده در استان، همه تلاشی است در این راستا



نهاوند نگین رشته کوه زاگرس

آورده است.

حضور شخصیت‌های خاص در تاریخ نهاوند از دیرباز تا کنون یکی دیگر از موضوعاتی است که جادارد پژوهشگران بیش از پیش به شناخت آنها اهتمام ورزند.

برگزاری همایش تخصصی گردشگری نهاوند، جشنواره فرش دستیاف، کنگره بزرگداشت شهید آیت الله علی قدوسی نهاوندی و بخشی از رویداد جهانی همدان ۲۰۱۸ در شهرستان نهاوند بخش کوچکی از فعالیت‌هایی بود که جهت شناساندن نهاوند طی چند سال اخیر انجام شده است، این قدم‌ها باید استمرار داشته باشد تا بتوانیم نهاوند را به عنوان بخشی از کشور عزیزمان ایران آنچنان که هست معرفی کنیم.

رونق گردشگری در شهرستان نهاوند یکی از اولویتهای مهم در برنامه‌های کاری بوده و تلاش داریم از این طریق هم در راستای توسعه و هم اشتغال‌زایی قدم برداریم؛ در این مسیر علاوه بر فعالیت‌های عمرانی و ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت توسعه گردشگری به فعالیت‌های پژوهشی و شناسایی و شناساندن جاذبه‌های گردشگری نهاوند نیاز است.

وجود نمایندگی بنیاد ایران‌شناسی در شهرستان نهاوند به عنوان تنها شهرستان کشور، یکی از ظرفیت‌هایی است که امیدواریم بتواند در شناخت ابعاد مختلف این منطقه از کشور راهگشا باشد.

رشته کوه سر به فلک کشیده زاگرس از زیبایی‌ها و مناطق خاص کشور ایران محسوب می‌شود که از دیرباز

مهد تمدن و فرهنگ محسوب می‌شده است. آثار تاریخی به دست آمده در این منطقه سابقه‌ای چندین هزار ساله داشته و تمدن آنرا به هزاره‌های پیش از تاریخ می‌رساند.

شهرستان نهاوند با چشمه‌های خروشان، طبیعت بی‌نظیر، تمدن دیرینه، شخصیت‌های برجسته و تاریخ درخشان خود، نگین انگشتی رشته کوه زاگرس به شمار می‌رود.

پیوستگی تمدن و فرهنگ در این دیار چنان منحصر به فرد است که تا سال‌ها بزرگترین منبع باستان‌شناسان برای یافتن قدمت یافته‌هایشان تطبیق آنها با آثار به دست آمده از شهرستان نهاوند بوده است. کمتر موزه‌ای در جهان وجود دارد که در بخش پیش از تاریخ خود نمونه‌هایی از آثار نهاوند را جای نداده باشد. علاوه بر این کاوش‌های باستان‌شناسان خارجی در این شهرستان نشانی دیگر از اهمیت پژوهش‌های حوزه ایران‌شناسی در نهاوند است.

علاوه بر این گویش خاص، نمادهای برجای مانده، فرهنگ عامه غنی و هنر قالی بافی خاص نهاوند، عرصه را برای فعالیت‌های پژوهشی در حوزه مختلف شهرستان فراهم



محمدرضا عطایی

رئیس بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس

از ایران‌شناسی تا زاگرس‌شناسی

با آنچه واقعیت ایران است؛ را می‌توان در آثار آنها به وفور مشاهده کرد. اشتباهات اروپاییان در شناخت ایران تا آنجا بوده که در کتاب «از خراسان تا بختیاری» نوشته هانری رنه دالمانی فرانسوی که به صورت سفرنامه و مصور بوده زیر عکسی از یک پنبه‌زن یا حلاج نوشته شده: «موسیقیدان ایرانی». البته در ترجمه کتاب به فارسی این موضوع اصلاح شده است. (دالمانی، ۱۳۵۵) گاه پیش آمده که مترجم مطلب را به همان شکل غلط چاپ کرده و مردم نیز بدون اندیشه آنرا باور می‌کنند! اشکال اصلی این است که چون یک اروپایی این مطلب را گفته، پس درست است!

حال آنکه ایران‌شناسی برای ما «خودشناسی» و «هویت‌شناسی» است؛ یکی از مهم‌ترین هویت‌های جمعی هویت ملی است که فقط ناظر به مختصات فیزیکی و دستاوردهای مادی یک ملت نیست، بلکه بیشتر به برخورداری از یک فرهنگ، روح و احساس مشترک تأکید دارد. در نتیجه میزها یا هویت فرهنگی نقش مهمی در ترسیم هندسه هویت ملی داراست و ملت‌ها از راه شناسه‌های فرهنگی‌شان از هم بازشناسی می‌شوند. هویت ملی شامل احساسات، فرضیات، ارزش‌ها، واقعیت‌ها، هنجارها و نظریه‌هایی است که مردم با آن تجربه مشترک خود را شکل داده و با آن به جهان می‌نگردند و دیگران نیز از همان چشم‌انداز

مجموعه‌ای از مطالعات منظم و علمی مربوط به تمامی شاخه‌های علوم درباره ایران در دوره‌های مختلف تاریخی «ایران‌شناسی» نامیده می‌شود، علمی که در ابتدا یکی از زیرمجموعه‌های «شرق‌شناسی» به شمار می‌آمد اما به مرور خود را از آن جدا کرده و امروز به عنوان رشته‌ای علمی در نظر گرفته می‌شود. ایران‌شناسی در حقیقت یک معرفت عام چند دانشی است و نمی‌توان گفت به تنهایی می‌تواند محتوای چند علم را ادعا کند.

شاید بتوان نخستین تلاش‌ها برای ایران‌شناسی را به هردوت (۴۸۴-۴۲۰ پیش از میلاد) و گزنون (۴۳۰-۳۵۵ پ.م) و چندین نفر از جهانگردان و اندیشه‌گران دوران باستان نسبت داد که در روزگار خود کوشیده‌اند ایران‌شناسی کنند. پس از این نیز حوزه ایران‌شناسی بیشتر در اختیار غربی‌ها بود. تلاشی که به دو دلیل صورت می‌گرفت؛ دست یافتن به دانش مردم ایران‌زمین و جنبه‌های استعماری که مورد نظر دولت‌های استعمارگر غربی بود.

ایران‌شناسی برای غربی‌ها؛ به نوعی «دیگری‌شناسی» است در نتیجه ایران را بر مبنای دیدگاه خود شناخته و معرفی کرده‌اند؛ از این رو برداشت‌هایی گاه متضاد و گاه دارای تناقض

یعنی مصلحت‌بینی‌های حسابگرانه روز و نیز از آویختگی به قدرت‌های رسمی برکنار دارد؛ سپس با دیدۀ انتقادی، به روش و موضوع رشته‌های گوناگون ایران‌شناسی نگاه شود تا کاستی‌ها و نادرستی‌های آن بروز پیدا کند.

یادآوری می‌شود که ایران‌شناسی تا اندازه‌ای از نتایج ناگوار و زبان‌های سیاسی رشته‌های دیگر شرق‌شناسی ایمن بوده است. بیشتر شرق‌شناسان با تأکید بر جدایی‌ها و تفاوت‌های زبانی و دینی و نژادی در جوامع آسیایی و آفریقایی، زمینه انواع کشاکش‌های قومی، جنبش‌های تجزیه‌طلبی و جنگ‌های داخلی را در این جوامع، آگاهانه یا ناآگاهانه فراهم کرده‌اند. تقسیم شبه قاره هند نمونه‌ای از نفاق‌انگیزی‌های استعمار است که شرق‌شناسان را در بروز آن نمی‌توان بی‌گناه دانست. خوشبختانه اقدامات ایران‌شناسان غربی، در ایران، چنین نتایجی را به بار نیاورده است. (زرشناس، ۱۳۹۴)

جلوه‌های گوناگون فرهنگی، زبان‌ها و گویش‌های مختلف، باورهای بومی و خرده‌فرهنگ‌های محلی مناطق ایران‌زمین در عین تنوع با هویت ایرانی-اسلامی پیوندی ناگسستنی برقرار کرده است. هیچ ایرانی را در هر گوشه از این خاک یا هر کجای جهان نمی‌توان یافت که اسطوره‌های ایرانی را محترم نشمارد یا نوروز برایش اهمیت نداشته باشد. در یک کلام پیوندهای ملی و دینی عمیق و باور به تنوع زبانی و قومی در میان یک ملت، چنان در میان ایرانیان نفوذ کرده که راه را بر هر تلاشی در راستای تجزیه‌طلبی بسته است.

به منظور شناخت همه جانبه ایران لازم است تنوعات موجود نیز شناسایی و شناسانده شوند تا بتوان از مجموع آنها، چیزی که امروز ایران نامیده می‌شود را به درستی شناخت. به همین منظور زاگرس‌شناسی به عنوان زیرشاخه‌ای از ایران‌شناسی اهمیت می‌یابد.

بنیاد ایران‌شناسی به منظور سامان‌مندی، تمرکز و تلاش بیشتر، علمی و منظم شناخت ابعاد مختلف ایران تشکیل و تأسیس شعب آن به همین منظور با نگاهی تخصصی به هر منطقه انجام شده است. از این رو بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس به عنوان اولین و تنها نمایندگی بنیاد ایران‌شناسی در غیر از مرکز استان، اهداف و برنامه‌های خود را با توجه به دستورالعمل‌های صادر شده از مرکز، بر شناسایی بخشی از ایران قرار داده است.

● دالماتی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری؛ ترجمه: بهرام فره‌وشی؛ تهران: ابن‌سینا

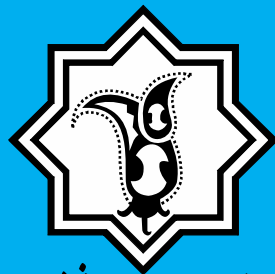
● زرشناس، زهره (۱۳۹۴)؛ تاملی درباره دانش ایران‌شناسی در ایران؛ مجله مطالعات ایران‌شناسی؛ شماره ۱، پاییز ۱۳۹۴؛ صفحات ۲۳ تا ۳۱

به آن اجتماع نگریسته و تصویرسازی خود از این اجتماع را از رهگذر همین مختصات فرهنگی انجام می‌دهند.

هویت ملی ما، بر دو ستون استوار است؛ یکی ریشه‌هایی که در تاریخ و تمدن ایران زمین ریشه دارد و دیگری هویتی که به عنوان یک ملت مسلمان از دین اسلام می‌گیریم. از این رو لازم می‌نماید در تلاشی هم‌مسو تمام ابعاد مختلف هویت ایرانی، شناسایی شود. این مهم علاوه بر سهم بزرگی که در خودشناسی ما دارد، سدی محکم در برابر تهاجم فرهنگی و از خودباختگی فرهنگی در برابر فرهنگ پر زرق و برق غربی خواهد بود.

از ابتدای قرن حاضر ایران‌شناسی در مرحله‌ای جدید قرار گرفته و ایران‌شناسان و پژوهشگران ایرانی اقدامات خود را در این حوزه آغاز کرده و تلاش‌های در خور توجهی را انجام داده‌اند. با توجه به نوپا بودن این رشته در میان ایرانیان، هنوز بسیاری از منابع و استنادات بر مبنای تلاش‌های ایران‌شناسان غربی استوار است؛ که در پاره‌ای موارد جای تشکیک و بازنویسی دارد.

البته نباید گفت که چون ایران‌شناسی زاییده از و نیاز استعمار بوده، باید بر همه تلاش‌های انجام شده در آن خط بطلان کشید. از این رو در بازنویسی تاریخ ایران، نتیجه کوشش‌ده‌ها باستان‌شناس، زبان‌شناس و تاریخ‌نویس اروپایی را نباید به دور ریخت؛ در عین حال نباید آنها را «وحي منزل» پنداشت. روش درست آن است که نخست از بی‌اعتباری اخلاقی شرق‌شناسی اروپایی، در میان ملت‌های شرقی این درس آموخته شود که تحقیق علمی، برای حفظ حرمت و آبروی خویش در جامعه، باید خود را از آلودگی به سیاست؛



بنیاد ایران‌شناسی
دفتر منطقه‌ای زاگرس



هوشنگ کیانی هفت‌لنگ*

مدیر عامل موسسه غیردولتی کشورشناسی ایران

شرق‌شناسی مقدمه کشورشناسی

مقوله از یکدیگر باشد. [۱]

علاوه بر سفرنامه‌هایی که در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی نوشته شدند و تحقیقات ایران‌شناسی گسترده‌ای که در هند انجام گرفت، دو محقق برجسته در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم، به انگلستان مهاجرت کردند و آثاری ماندگار از خود برجای گذاشتند. آنان، ولادیمیر مینورسکی، متخصص جغرافیای تاریخی و والتر برونینگ هنینگ، متخصص زبان‌ها و ادیان ایرانی، بودند. مینورسکی از اهالی روسیه و هنینگ از مردم آلمان بود. هر دو به سبب تغییرات سیاسی مملکت خود، انگلستان را گوشه امن جهان و موطن تحصیل و تحقیق یافتند. گرچه در شناخت و بررسی زبان‌های ایرانی، مقام اصلی را آلمانی‌ها دارند، ولی در زبان انگلیسی نیز نام دانشمندانی چون جکسون و وست قابل ذکر است و تحقیقات آنان هنوز مأخذ و مورد استفاده است.

لغت و دستور زبان فارسی نیز از رشته‌هایی است که کتاب‌های بسیاری درباره آن به زبان انگلیسی نوشته شده است. نام ریچاردسن، جنسون، ولاستون پالمر، اشتگاس و لمبتون از میان انگلیسی‌ها قابل ذکر است.

آثاری که در زبان انگلیسی درباره تاریخ و جغرافیا و سیاست ایران نوشته شده، هم زیاد و هم قابل توجه است. در زمینه مطالعات تاریخی، افرادی چون سر جان ملکم [۲]، سرپرستی

مطالعاتی که از قدیم‌ترین

ایام تا روزگار حاضر درباره

ایران وجود دارد، از دو دسته

خارج نیست: دسته اول آنهایی

که بدون نگاه و دید و نقد علمی و بیشتر بر اثر مشاهدات یا مسموعات تألیف و تنظیم شده‌اند. این گونه آثار اغلب به دوران تاریخی یا «پیش علمی» مربوط هستند، مانند آثار نویسندگان یونان و روم یا عرب و چین و آثار سیاحان و بازرگانان.

دسته دوم، تحقیقات و مطالعاتی که به اصطلاح با دید انتقادی و به قصد روشن شدن تمدن و فرهنگ ایران و معرفی آن به انجام رسیده‌اند.

به نظر می‌رسد که در دهه‌های اخیر، در ایران در کنار مطالعات «کلاسیک ایران‌شناسی» برای اولین بار مرز مشخصی میان «شناخت کلاسیک» و «شناخت کاربردی ایران» تشخیص داده شد. شناختی که به کمک آن می‌توان در دنیای امروز (دنیای تحولات، اطلاعات، تکنولوژی، ارتباطات و مدیریت‌های مؤثر) با بهره‌گیری از همه امکانات موجود به آینده‌ای مطلوب رسید. در واقع نگاه به «ایران‌شناسی کاربردی» که آنرا می‌توان «کشورشناسی» نامید، برای نخستین بار مطرح شد و پیش‌بینی می‌شود که یکی از چالش‌های اساسی آینده ایران‌شناسی تمایز و تفکیک این دو

عظمت و اعتبار خاص یافت و تمام دولت‌های فرنگ خواستار برقرار کردن روابط تجاری و سیاسی با ایران شدند.

نخستین سیاح ناموری که شش بار به ایران آمد و از راه‌های مختلف در اکثر شهرهای ایران گردش کرد، ژان باتیست تاورنیه نام داشت و کتابش تحت عنوان شش سفر به عثمانی و ایران و هندوستان نخستین بار در سال ۱۶۹۸ منتشر شد. شاردن سیاح دیگری بود که شرح مفصل‌تر و دقیق‌تری از ایران فراهم آورد. سفرنامه شاردن در سال ۱۶۸۶ در پاریس به چاپ رسید و به چند زبان اروپایی نیز ترجمه شد.

شناخت فرهنگی و علمی ایران در فرانسه، از اواخر قرن هفدهم و با انتشار کتابخانه شرقی اثر هرپلو آغاز می‌شود. در دهه سوم قرن هجدهم، آنکتیل دوپرون نسخه‌ای قدیمی از اوستا را ترجمه و تفسیر کرد. تاریخ ایران و بررسی تمدن و فرهنگ ایران، از مباحثی است که فرانسویان بدان توجه کرده‌اند. در این میان آثاری که گروسه، کلمان هوار، بوا و گوینیو، نوشته‌اند، حائز اهمیت است.

فرانسوی‌ها در باستان‌شناسی ایران و حفاری‌های علمی به خصوص در شوش و شناساندن معماری و هنر ایران نیز سهم عمده دارند. آنان همچنین در شناساندن فلسفه اسلامی و نهضت‌های فکری و عرفانی ایرانیان نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌اند که از آن جمله باید از ماسینیون، هنری کربن و گواشون نام برد.

سایکس [۳] و ادوارد براون [۴] کتاب‌هایی منتشر کردند؛ ولی پیش از همه این افراد باید از لرد کرزن سیاستمدار معروف انگلستان که در سال ۱۸۹۹ فرمانروای کل هندوستان شد و به مسائل ایران توجه خاصی داشت، نام برد. وی در سال ۱۸۹۲ کتاب مشهور خود ایران و قضیه ایران را منتشر ساخت.

در مسائل سیاسی و تاریخ جدید ایران نیز آثار متعدد و مهمی در زبان انگلیسی وجود دارد. در سال‌های اخیر نیز آثار زیادی در این باب، به خصوص در آمریکا، انتشار یافته است که در این میان آثار الول ساتن، ریچارد کوتم و بیندر، بیشتر معروف هستند.

ایران‌شناسی در آلمان یا سفرنامه‌ای آغاز می‌شود که سیاح مشهور آلمان آدام اولناریوس چاپ کرد، ولی امتیاز و اهمیت تحقیقات ایرانی در زبان آلمانی، به طور اخص در تبعات مربوط به زبان‌های باستانی ایران بیشتر است. از آن میان، نام بارتلمه، یوستی، اشپیگل، نولدکه و ولف ذکر کردنی هستند.

رشته دیگری که محققان آلمانی زبان در آن زمینه تحقیقات مفیدی به دست داده‌اند، باستان‌شناسی و هنرشناسی ایران است که در این زمینه آثار هرتسفلد از همه مهم‌تر است.

دوران آشنایی حقیقی فرانسه بر احوال ایرانیان و شناسایی مناطق مختلف ایران، به قرن یازدهم هجری باز می‌گردد. در آن قرن، سیاست و حکومت صفویان در چشم مردم فرنگ



با آن که ایران و روسیه همسایه‌اند، مسافران و سیاحان روس کمتر از جهانگردان دیگر اروپایی در ایران سفر کرده‌اند. با این وجود، روس‌های دوران تزاری، توجه خاص و وسیعی به بررسی‌های مربوط به قسمت‌های شمالی ایران نشان می‌دادند و آثار محققانی چون خانیکف بیشتر در این زمینه است.

موضوع دیگری که روس‌ها بدان علاقه خاصی داشتند، رسیدگی به تاریخ و تمدن ماوراءالنهر و تمام سرزمین‌های پهناور آسیای مرکزی است. یک دانشمند متبحر روس، به نام بارتلد، در این رشته سرآمد تمام محققان است. وی تاریخ قدیم و جغرافیای تاریخی آنجا را به نحوی دانشورانه به رشته تحریر کشیده است.

پس از انقلاب ۱۳۹۷، در کشور شوروی تحقیقات شرقی به کلی جنبه‌ای دیگر یافت و دانشمندان و محققان با برنامه‌های تازه فرهنگستان علوم به کار پرداختند. در سال‌های بعد، مطالعات زبان‌شناسی درباره زبان‌های ایرانی در شوروی وسعت گرفت و کتابی که اورانسکی درباره زبان‌شناسی ایران نوشت، پس از کار آلمانی‌ها اثر قابل توجهی به حساب می‌آید.

در تاریخ ایران پیش از اسلام، از میان خاورشناسان شوروی، م.م. دیاکوف، اوکونین، پیگولوسکایا، اشتروه و ای.م. دیاکوف شهرت دارند. در باب تاریخ دوران اسلامی نیز تحقیقات بارتلد، کراچکوفسکی، پتروفسکی و ایوانف قابل ذکر هستند. [۵]

در حالی که از مدت‌ها پیش بحث‌هایی در نقد شرق‌شناسی و واکنش‌های سیاسی ناشی از آن در کشورهای مختلف آسیایی صورت گرفته است، در کشور ما فقط چند سالی است که جسته و گریخته سخنانی در این باب گفته می‌شود. [۶]

شرق‌شناسی و ایران‌شناسی خود به سادگی زاییده یک ضرورت اقتصادی بود، چرا که به تعبیری نخستین مرحله تحقیقات شرقی از آنجا آغاز می‌شد که نیاز سیاسی و تجاری دول اروپایی را به داشتن افرادی که با زبان و تاریخ و رسوم محلی ممالک شرقی آشنا باشند واداشت. پس از آن و بعد از دو جنگ جهانی، توسعه اقتصادی، دید تازه تجاری، اندیشه سرمایه‌گذاری، روش‌های حکومتی جدید، هر یک جدا جدا سبب آن شده که غرب با توجهی عمیق‌تر به رشته‌های شرق‌شناسی و از جمله ایران‌شناسی بنگرد. اعتبارات مالی مخصوص و زیاد، خواه از ممر عواید ملی و خواه از محل سرمایه‌های خصوصی و اوقاف و مؤسسات آزاد صرف تحقیق و تتبع در مسائل مختلف مربوط به این رشته شد. غالب دانشمندان و محققان که رشته‌های شرق‌شناسی را دنبال کردند، مخارج تحصیل و تحقیق و سفر را از مؤسسات، دانشگاه‌ها، مجامع علمی و دولتی یا انجمن‌های مورد حمایت و خادم دولت‌های خود دریافت کردند و جمعی از آنان نیز به خدمت رسمی دولتی مانند عضویت در وزارت امور خارجه در آمدند. کوتاه سخن این که در شرق‌شناسی علمی، دست

سیاست دولت‌ها هیچگاه بیکار نبوده است. [۷]

شرق‌شناسی در اساس نسبت به موضوع خویش یعنی شرق دارای وضع کلی و مبهمی است. این وضع کلی و مبهم عبارت است از همان وضع نظری که فرهنگ‌های شرقی را نسبت به فرهنگ غربی، پیشینی تلقی می‌کند و تنها از نظر کنجکاوی «علمی» بدان‌ها می‌نگرد و به طور ضمنی قائل است به این که دستاوردهای این فرهنگ‌ها، متعلق به عهد خامی و نابالغی آدمی است. اما از زمانی که فکر انحطاط غرب و چشم‌انداز زوال تمدن غربی در پیش چشم متفکران غربی گشوده شد و ایمان مطلق به «آیین پیش‌سرفت» متزلزل شد، این شیوه نگریستن به فرهنگ‌های شرقی در بین اهل اندیشه غرب کم و بیش از میان رفت و امروز دیگر آنها تمدن غرب و پیش فرض‌های نظری را امر مطلق نمی‌دانند که جهان را باید بدان سنجید، ولی در رفتار عامه غربی نسبت به شرقیان این زمینه همچنان خود را می‌نمایاند. این نکته را نیز باید اضافه کرد که در دوره طولانی سنت شرق‌شناسی، فیلسوفان، تاریخ‌نگاران، زبان‌شناسان و دیگرشناسان شاخص، صادق و امینی بوده‌اند که به سیاست روز نیز سر و کار نداشته‌اند و حرکت برخی از آنان حتی در جهت کمک و همدردی با محرومین بوده است. در بحث حاضر، آنان را باید از جریان شرق‌شناسی و سنت استعماری آن جدا کرد و در واقع برایشان اصطلاح «شرق‌دوست» را به کار گرفت. برخی از آنان هم که به فرهنگ و حتی مذاهب شرقی گرویده‌اند، می‌توان گفت در خرقة «شرق‌شناسی»، «خودشناسی» کرده‌اند. [۸] برای نمونه ویلیام ویستون استاد دانشگاه کمبریج را در سال ۱۷۰۹ تنها به این دلیل که شیفته اسلام شده بود، از دانشگاه اخراج کردند! ورشادسیمون که یک مومن مسیحی بود، در قرن هفدهم از هر طرف مورد حمله‌ها و اتهامات گوناگون قرار گرفت، زیرا کوشیده بود که بدون تعصب و با دیدی عقلانی به دنیای اسلام و محتوای آن بنگرد [۹] و یا در سال ۱۹۷۷، یکی از استادان دانشگاه کالیفرنیا که برضد دوازدهتنی‌های امپریالیسم در آسیا سخن می‌گفت، از کار برکنار شد و این کار به رغم سخنرانی‌های پیگیر و گردهمایی‌های گسترده دانشجویان به خواخواهی از آن استاد بود. [۱۰]

آنچه گفتیم، کلیاتی از پیوستگی سیاست و شرق‌شناسی بود و از آنجا که ایران‌شناسی نیز شاخه‌ای و یا رشته‌ای از شرق‌شناسی است، می‌توان آن کلیات را به این رشته نیز تممیم داد. با این وجود، ذکر پاره‌ای جزئیات در مورد سیاست ایران‌شناسی نیز مفید به نظر می‌رسد.

ایران‌شناسی را به عنوان «مجموعه‌ای از مطالعات منظم و علمی مربوط به وجه گوناگون تمدن و فرهنگ و تاریخ ایران» اروپاییان بنیاد کردند و از این جهت، یکی از عقایدی که درباره علت وجودی آن از دیرباز رواج داشته آن است که ایران‌شناسی، همچون شاخه‌های دیگر شرق‌شناسی غربی،

مکتب مبتنی بر اصول علمی تاریخ‌نویسی — پدید آمده است. [۱۱] با این همه، این پدیده‌ها هر چند رخدادهایی خجسته در عرصه تاریخ‌نگاری محسوب می‌شوند، اما هنوز نتوانسته‌اند میراث فکری سنت شرق‌شناسی را که لزوماً استعماری هم هست، از آذهان بزدايند و با جلوه‌های گوناگون و اشکال جديد آن مواجهه اصولی نمایند. از این رو بحث در باب ایران‌شناسی، به خصوص خاستگاه سیاسی آن، همچنان مفتوح است و محققانی باید که به این مهم بپردازند.

* دکترای جغرافیای انسانی و مشاور عالی و مدیر دانشنامه لرهای ایران دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

یک سال در بین ایرانیان تجدید چاپ شده به رشته تحریر درآورد. ادوارد براون کتاب‌های زیادی پیرامون تاریخ و فرهنگ ایران نگاشته است که از آن جمله است کتاب تاریخ ادبیات ایران در چهار جلد که در فاصله سال‌های ۱۹۲۴ - ۱۹۰۲ م انتشار یافت. براون در این کتاب قطعات زیادی از اشعار پارسی را به انگلیسی ترجمه کرد که نشان دهنده تسلط او به زبان فارسی است.

۵- افشار، ایرج؛ راهنمای تحقیقات ایرانی؛ مرکز بررسی و معرفی فرهنگ ایران؛ تهران؛ ۱۳۴۹؛ به تخلص از صفحات ۴۶-۷۶

۶- بحث درباره سیاست شرق‌شناسی و ایران‌شناسی، گویی از مرحوم دکتر حمید عنایت و آقای دکتر داریوش آشوری شروع شده است، گو اینکه آقای ایرج افشار نیز تبعات در خور تأمل ارائه داده‌اند. بعدها و با فاصله زمان به نسبت طولانی، مقاله‌ای مبسوط از آقای دکتر تکمیل همایون و مقاله‌ای کوتاه اما پربار از آقای دکتر فرهنگ رجایی منتشر شد. کتاب نخستین روایی‌های اندیشه‌گران ایرانی در برخورد با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تألیف آقای دکتر عبدالهادی حائری، در سطح وسیعی رویه کارشناسی تمدن غرب و رویه استعماری آنرا که اشکال مختلفی نیز دارد بررسی کرده است. به جز این پنج منبع که تقریباً به نحوی مستقل به موضوع پرداخته‌اند، منبعی در خور یافت نمی‌شود، ظاهراً روشنفکران و اندیشمندان ایرانی، موضوع را جدی نگرفته‌اند، در حالی که بحث در روش‌های مطالعه و متد مواجه با پدیده‌های تاریخی-سیاسی و اقتصادی، بی‌گمان نخستین مرحله یک پژوهش محسوب می‌شود.

۷- افشار، ایرج؛ پیشین؛ ص ۴۹

۸- همانجا، ص ۲۰۵

۹- سعید، ادوارد؛ ص ۱۴-۱۳

۱۰- حائری، عبدالهادی؛ ص ۱۰

۱۱- عنایت، حمید؛ ص ۴۳

خواهد بود که با پایان یافتن استعمار کلاسیک، بحث درباره «ایران‌شناسی» نیز بی‌فایده است، در حالی که آنچه در گذشته به «ایران‌شناسی» جنبه سیاسی می‌داد، پیوستگی‌اش به تاریخ استعمار بود و آنچه امروز «ایران‌شناسی» را به عرصه مناقشات سیاسی می‌کشاند، از یک سو فزونی آگاهی و بیداری قومی و از سوی دیگر گسترش روزافزون دامنه نفوذ و نظارت دولت‌هاست.

امروز به تعبیر ونس — ان مونی، روشنفکران آسیایی و آفریقایی بر سر آن شده‌اند که تاریخ ملت‌های خود را با دیدگاهی متفاوت از آنچه محققان اروپایی اختیار کرده‌اند، دوباره بنویسند و از رهگذر همین کوشش‌هاست که سگ مکتب تازه در تاریخ‌نویسی — یعنی مارکسیستی، ناسیونالیستی و

۱- ماهنامه ایران‌شناسی؛ سال اول؛ شماره ۱؛ تهران؛ ۱۳۷۰.

۲- سرجان ملکم (۱۸۳۲ - ۱۷۶۹ م) به سال ۱۷۸۱ م به هند رفت و در آنجا زبان فارسی را به خوبی فراگرفت و به عنوان مترجم فارسی به استخدام کمپانی هند شرقی درآمد، وی بعدها توسط دولت انگلیس برای تحکیم روابط با ایران به دربار فتحعلی شاه قاجار فرستاده شد که منجر به تحکیم و برقراری بیش‌تر روابط تجاری و سیاسی و نیز انعقاد دو قرار داد گردید. ملکم در ۱۸۱۶ م. در دستگاه آکسفورد درجه افتخاری دکترای حقوق گرفت. وی در فاصله سال‌های ۱۸۰۸ - ۱۷۹۹ سه بار به ایران سفر کرد. تاریخ ایران که در ۱۸۷۰ م در بمبئی توسط میرزا اسماعیل حیرت ترجمه و چاپ شد، یکی از مهمترین آثار او به شمار می‌رود.

۳- ژنرال سرپرستی سایکس، سرکنسول انگلیس در کرمان (۱۸۹۸ - ۱۸۹۴) و سرکنسول انگلیس در خراسان (۱۹۱۳ - ۱۹۰۵)، نقش عمده‌ای در تاریخ سیاسی ایران داشته است. وی کتاب‌های مختلفی به رشته تحریر درآورده که از آن جمله است: ده هزار میل در ایران که توسط حسین سعادت نوری به فارسی ترجمه شده است. سایکس این کتاب را به لرد کرزن نایب السلطنه وقت هندوستان تقدیم کرده است.

۴- ادوارد براون به سال ۱۸۶۲ در یولی گلوستر شایر به دنیا آمد و در آوان جوانی به مسائل سیاسی پرداخت. در آن زمان بین روسیه تزاری و دولت عثمانی اختلاف بود. ادوارد براون به جانب دولت عثمانی متمایل شد و شروع به تحصیل زبان ترکی کرد تا اینکه بتواند در قشون ترک وارد شود، ولی جنگ خاتمه پیدا کرد و ادوارد براون به سال ۱۸۷۹ به کمبریج رفت که در آنجا تحصیل پزشکی کند و در این رشته تحصیل خود را به پایان رساند ولی در عین حال به تحصیل السنه شرقی که فارسی و عربی نیز جزو آن بود می پرداخت. در سال ۱۸۸۷ به هزینه مدرسه پمبروک مسافرتی به ایران کرد که شرح آنرا در کتاب مسافرت نامه که به سال ۱۸۹۱ منتشر شد و بعداً به نام

زاگرس مهد ظهور و توسعه مفرغ



سابقه عصر مفرغ در منطقه زاگرس به هزاره ششم پیش از میلاد می‌رسد، در حالی که در اروپا این دوره از حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد شروع شده است. در هیچ کجا آثار مفرغی کهن‌تر از زاگرس به دست نیامده است، از این رو می‌توان حوزه تمدنی-فرهنگی زاگرس را محل ظهور و توسعه مفرغ دانست.

می‌شود که نسبت به مواد اولیه تشکیل دهنده‌اش از درجه ذوب پایین‌تر، پایداری بیشتر و چکش‌خوری بهتری برخوردار است. این ابداع دارای چنان اهمیتی است که باستان‌شناسان دوره ویژه‌ای به نام «عصر مفرغ» را در گاه‌نگاری‌ها ایجاد کرده‌اند.

سابقه عصر مفرغ در منطقه زاگرس به هزاره ششم پیش از میلاد می‌رسد، در حالی که در اروپا این دوره از حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد شروع شده است. در هیچ کجا آثار مفرغی کهن‌تر از زاگرس به دست نیامده است، از این رو می‌توان حوزه تمدنی-فرهنگی زاگرس را محل ظهور و توسعه مفرغ دانست.

اشیاء مفرغی ساخته شده در منطقه زاگرس به مفرغ لرستان شهرت دارند و اکنون در بیشترین موزه‌های معتبر جهان نمونه‌هایی از آن به چشم می‌خورد. کشف مفرغ لرستان در ابتدا به صورت تصادفی اتفاق افتاد، مردم لرستان که اولین نمونه‌ها را اتفاقی از خاک درآورده بودند، چون روی این اشیاء تصاویر هنری حیوانات به گونه‌ای طبیعی، جالب و سحرانگیز منقوش شده بود، پی بردند که در بازار ارزشی دارد، در نتیجه به سرعت از روی نظم و قاعده در مقام جستجو برآمده و قبرهایی را که روی آنها با لوح سنگی پوشیده بود خالی کردند. از طریق همین کشفیات مفرغ لرستان به سرعت در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی راه یافت. (کورتنیس، ۱۳۸۷: ۵۱)

آلات و اشیاء مفرغی لرستان اولین بار در سال ۱۳۰۴ به

مفرغ یا برنز آلیاژی فلزی از مس و قلع است که با آن ابزارهای مختلف و مجسمه را تهیه می‌کنند.

فلز به عنوان یکی از اساسی‌ترین مواد صنعتی از دوران باستان تا کنون نقش مهمی را در زندگی انسان بر عهده داشته است. انسان باستان، نخستین بار فلزاتی را که به طور طبیعی و خالص در اطرافش می‌یافت، جمع کرده و با ایجاد تغییراتی روی آنها، مورد استفاده ابزاری قرار می‌داد. سپس به خواص این ماده در پایداری و چکش‌خواری پی برده و همین سبب رونق استفاده از آن شد. دستیابی بشر به فناوری ذوب فلز، گام بزرگ بعدی بود که راه را برای رونق بیشتر صنعت فلزکاری باز کرد.

با نبر کشفیات باستان‌شناسی نخستین کسانی که فلز مس را تشخیص داده و صناعی از آن به یادگار گذاشتند، قبایل سایپروس در جزیره قبرس و لیگورها در شمال ایتالیا بودند. همزمان با آنها ایرانیان باستان نیز مس را تشخیص دادند، اما با این تفاوت که در حوزه تمدنی-فرهنگی زاگرس کیمیاگران اولیه به اختراع شیوه‌ای برای ذوب مس و ترکیب آن با قلع دست یافتند، نوآوری که سبب ساخت فلز دیگری به نام مفرغ شد. این دستاورد نوین، از نظر فنی پیشرفت شگرف قلمداد

جلوه نمادین باورداشت‌ها، به بخش‌های گمشده تاریخی و اعتقادی مردم زاگرس نور روشنایی می‌یابند.

در بررسی مفرغ‌های لرستان اولین ویژگی استفاده از سطح در سرسجاق‌ها، خنجرها و ظروف و استفاده از حجم در سازه‌های حجمی برای بیان مفاهیم و مضامین می‌باشد که از طریق آن می‌توان به ابتکار و قدرت ذهنی سازندگان، دانش تصویری و کاربرد هوش مندانه، نظم دقیق فضای مناسب در ریخته‌گری اشیاء و چکش کاری نقوش متنوع پی برد.

در بررسی نمادشناسانه این تصاویر به موارد متعددی برخورد می‌کنیم. گاه تصاویر انقدر واقعی است که گویی نقاشی بخشی از واقعیت است، در این موارد به طور معمول حیوان، انسان یا گیاه بر مبنایی باورهایی که در میان مردم باستان داشته تصویر شده است که هر کدام نماد باوری خاص هستند. اما در میان این تصاویر نمونه‌های خاصی به چشم می‌خورد که می‌تواند بخش‌های مهمی از باورها و آئین‌ها و اسطوره‌های حوزه تمدنی-فرهنگی زاگرس را بازگو کند.

۱- به جای دو عبارت بن‌مایه و نقش‌مایه می‌توان از اصطلاح موتیف (Motif) استفاده نمود. زیرا این نقوش علاوه بر اینکه به صورت الگو در بافت آثار هنری به جای مانده به کار رفته و تکرار می‌شوند، عنصری وحدت‌بخش در روایت‌های آنها هستند که عناصر داستانی را به هم پیوند داده و درون‌مایه روایت را تقویت می‌کنند.

● ایزدپناه، حمید(۱۳۵۵)- آثار باستانی و تاریخی لرستان - انتشارات انجمن آثار ملی- جلد ۲

● پوپ، آرتور اپهام (۱۳۹۴)- شاهکارهای هنر ایران- ناتل خانلری، پرویز (مترجم)- انتشارات علمی و فرهنگی

● کورتیس، جان (۱۳۸۷)- ایران باستان به روایت موزه بریتانیا- بصیری، آذر (مترجم)- امیرکبیر

● واندنبرگ، لویی (۱۳۴۹)- مفرغ‌های لرستان- شهیدی، یحیی (مترجم)- مجله بررسی‌های تاریخی- شماره ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۴۹- صفحات ۸۹-۱۳۲

● واندنبرگ، لویی (۱۳۷۹) باستان‌شناسی ایران باستان- بهنام، عیسی (مترجم)- انتشارات دانشگاه تهران

● عکس از: بیک‌محمدی، خلیل الله (۱۳۸۹)- بررسی و تحلیل صحنه‌های به کار رفته در سرسجاق‌های دیسکی مفرغی لرستان- مجله کدو کاو

● Goff, C. (1966)- New Evidence of Cultural Development in Luristan in the late 2nd and Early First Millennia- Ph.D. Dissertation, Institute of Archaeology, University of London

● Goff, C. (1971)- Luristan Before the Iron Age- Iran IX: 131-152

● Goff, C. (1980)- An Archaeologist in the making- London

● Schmidt, E. (1940)- Flights over Ancient Iran- University of Chicago

● Stein, M.A. (1940)- Old Routes of Western Iran- London

وسیله مردم روستاها پیدا شد. (ایزدپناه، ۱۳۵۵، ج ۱: ۳۵) و برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی (۱۹۲۸ میلادی) در بازارهای عتیقه‌فروشی تهران، لندن و پاریس به فروش رسید. (واندنبرگ، ۱۳۴۹) نمونه‌های آلات مفرغی لرستان، اولین بار در سال ۱۹۲۹ در بازار پاریس مشاهده شد و محل کشف آنها نامعلوم بود، دو یا سه قطعه بسیار شبیه آنها هم در موزه بریتانیا یافت شد، اما از آن قطعات هم بر علم محققان چیزی نفی‌زود زیرا اصل و تاریخ آنها نیز مشکلی لاینحل بود. پس از چند ماه، اطلاعات دقیق متوالی درباره کشفیات مزبور از ایران رسید. (پوپ، ۱۳۹۴: ۲۳)

بیشتر کشفیات مفرغ لرستان توسط افراد غیر متخصص به طور اتفاقی یا به قصد سودآوری صورت گرفته و متأسفانه همین امر سبب شده اطلاعات دقیقی از لایه‌نگاری و بسط این اشیاء موجود نباشد. برای نخستین بار هیئت آمریکایی هولمز به سرپرستی اریخ اش‌میت در سال ۱۹۳۴ میلادی در خلال یک بازدید هوایی، منطقه را بررسی نمود (Schmidt, 1940) استین نیز در سال ۱۹۳۶ میلادی (Stein, 1940) هیئت انگلیسی اورال استین در ۱۹۴۰ میلادی و گاف در سال ۱۹۶۳ میلادی (Goff, 1966, 1971, 1980) از مناطق مرتبط با مفرغ لرستان بازدید کردند. کاوش‌های باستان‌شناسی از سال ۱۹۶۴ میلادی به طور مستمر در لرستان انجام شد. پس از آن هیئت بلژیکی به سرپرستی لویی واندنبرگ با هدف کشف منشأ تمدن و فرهنگ لرستان کاوش‌های باستان‌شناسی را آغاز کرد. (واندنبرگ، ۱۳۷۹) علاوه بر این کاوش‌های متعددی نیز توسط باستان‌شناسان ایرانی برای کشف ریشه‌های فرهنگی و تمدنی مفرغ لرستان انجام شده و در حال انجام است.

جداز شیوه ساخت و ظرافتی که در مفرغ لرستان وجود دارد، آنچه به این اشیاء ارزش فرهنگی می‌بخشد، تصاویر و نقوش نمادینی است که بر روی آنها حک شده است. در تمامی نمونه‌ها از خنجر، شمشیر، تبر، گرز، سرسجاق، تندیس، لگام و حتی ظروف ساخته شده گوشه‌هایی از باورهای مردم منطقه زاگرس به صورتی نمادین نقش بسته است، حتی در برخی ظروف نقوش روایی به چشم می‌خورد که بازگو کننده مفاهیم مورد باور مردم آن روزگار است.

در ساخت اشیاء مفرغی به طور معمول از روش ریخته‌گری و چکش کاری استفاده شده و سطح آنها با نقوش مختلفی تزئین شده است، این نقوش متنوع از سادترین تا پیچیده‌ترین نوع با بن‌مایه‌ها و نقش‌مایه‌های [۱] گیاهی، هندسی، جانوری، نقوش انسانی و شخصیت‌های انسان گونه و تخیلی از واقع‌گرایانه (طبیعی‌ترین شکل ممکن) تا سوررئالیسم (انتزاعی‌ترین حالت) را شامل می‌شوند. این نقوش برگرفته از اعتقادات و باورهای ذهنی مردم عصر خود که مبتنی بر آئین‌ها، باورداشت‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌هایی است که به گونه‌ای رازگونه و پیچیده روی آثار نقش شده؛ با روایت داستان‌هایی در این خصوص یا



ابراهیم خدایی*
مدیر دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران
در شهرستان دورود

مقاومت اتابکان لر کوچک در برابر تمرکزگرایی خلفاء و پادشاهان

ایران و شرق عراق امروزی، به خصوص استان‌های کنونی لرستان و ایلام را در اختیار داشته است، حفظ این حاکمیت در طول بیش از چهار سده و مقارن با حکومت‌هایی چون خلافت عباسی و عثمانی (در غرب) و پادشاهی خوارزمشاهیان، ایلخانان، تیموریان و صفویان و یورش‌های ویرانگر چنگیز و تیمور (در شرق) می‌تواند برای پژوهشگران تاریخ ایران محل سؤال باشد.

تضمین امنیت عراق عرب و عجم، کنترل نیروی انسانی قابل توجه و اسب‌های آماده لری، استفاده از منابع طبیعی و منافع اقتصادی دامداران و کشاورزان، و اخذ مالیات مهمترین مواردی است که می‌تواند انگیزه خلفاء و شاهان برای توجه و در پارامای موارد لشکرکشی به منطقه لر کوچک بوده باشد و اغلب از همین رهگذر است که اسامی و گزارش‌های اتابکان در کتاب‌های تاریخی معتبر (مثلاً: مستوفی ۱۳۸۱، نطنزی ۱۳۸۳، ترکمان ۱۳۸۲، بدلیسی ۱۳۷۷)، به میان آمده است.

سلسله اتابکان لر کوچک (۱۱۷۵ تا ۱۵۹۸ م.)

در اواخر دوره سلجوقیان (۱۰۳۸ تا ۱۱۹۴ م.) دو سلسله در مناطق لرنشین با نام‌های اتابکان لر بزرگ و اتابکان لر کوچک تأسیس شد که در هر دو مورد یک امیر محلی حکومتی بومی تشکیل داد که «اتابکان لرستان یا لر بزرگ» و «اتابکان لر

تمرکزگرایی رویه‌ای از حکمرانی است که می‌کوشد ولایات و قلمروهای متعدد و متفاوت را زیر امر واحد و کلیه امور عمومی (ملی و محلی) از یک پایتخت، کنترل کند. (حافظ نیا و کاویانی‌راد ۱۳۸۳: ۳۲؛ میرحیدر و دیگران ۱۳۹۲: ۱۴۸). حاکم تمرکزگرا مشروعیت را فقط از آن خود می‌داند و هرگونه مشروعیت محلی یا مردمی دیگری را در بالای سر یا زیردست خود بر نمی‌تابد. در عمل، حکومت متمرکز، از دوره پهلوی در کشور ایران استقرار یافته است، و تا قبل از آن امکان دوام نداشته است، اما تمایل به برقراری آن (تمرکزگرایی) همواره در اقدامات حاکمان قدرتمند آشکار بوده است. در طول تاریخ ایران پادشاهان همواره مایل بودند نشان دهند خودشان یگانه قدرت مشروع هستند، تلاش آنها این بود که از نزدیکان و وابستگان وفادار خویش حاکمانی برای ولایات تعیین کنند و تا می‌توانند در براندازی قدرت‌های محلی و نسبتاً مستقل بکوشند. اما این که شاهان چقدر می‌توانستند در این کوشش خود کامیاب باشند، پرسشی است که در این مقاله در مورد بخشی از قلمرو ایشان (لر کوچک) بدان پاسخ داده خواهد شد.

سلسله اتابکان لر کوچک از سال ۱۱۷۵ تا ۱۵۹۸ میلادی (۵۷۰ تا ۱۰۰۶ هجری قمری) کنترل بخش وسیعی از غرب

پس از انقراض ایلخانان، «تیمور» علمدار تمرکزگرایی بود، او اصرار داشت امور لر کوچک آن طور که می‌خواهد پیش برود اما هرگز موفق نشد. کندن پوست اتابک «ملک عزالدین» (اتابک شانزدهم) و نبردهای چریکی فرزندان او علیه تیمور حکایت از آشفتگی امور در این دوره دارد. (نطنزی ۱۳۸۳: ۵۹-۵۸).

صفویان هم تمایلات تمرکزگرایانه آشکاری داشتند، شاه اسماعیل (بنیان‌گذار صفویه) در آغاز کار ناگزیر بود وایلیان و حاکمان محلی را بپذیرد و بکوشد آنها را وابسته و تابع خود کند، در نخستین برخورد با حاکمان لر، شاه اسماعیل، بنیان‌گذار صفویه از روی عمد اتابک شاه رستم را «حاکم ولایت صدمره، هارون آباد و سیلاخور» خواند (رهبرن ۱۳۴۹: ۱۲۳) و از به کار بردن عناوین مرسوم ایشان مثل «اتابک» یا «ملک» و حتی نام سرزمین شان (لر کوچک) خودداری کرد و در واقع کوشید حکومت شاه رستم را تأیید کند، اما اعتبار و مشروعیتش را تا حد یک حاکم دست‌نشانده کاهش دهد.

آخرین اتابک، شاهوردی، چندین بار از سوی شاه عباس عزل شد، گاهی فرد دیگری از خاندان اتابکان (مثل سلطان حسین عموزاده شاهوردی) و گاهی حاکمی غیر بومی (از «ولایات دولت قاهره» یعنی وابستگان و سرداران قزل‌باش، مثل مهدی قلی خان شاملو) منصوب می‌شد، اما شاهوردی با شورش دوباره به قدرت می‌رسید و هر بار شاه صفوی هم ناچار به تأیید مجدد وی می‌شد. (ترکمان ۱۳۸۲: ۴۷۱-۴۷۲). شاه عباس بالاخره توانست آخرین اتابک را دستگیر کند و به قتل برساند. او جمع‌گیری از روستا طوایف حامی اتابکان را هم در یک مهمانی از قبل طراحی شده کشت، و بسیاری طوایف حامی اتابکان لر را تبعید کرد، او موفق شد عنوان اتابکی و حاکمیت دودمان جنگروی را از میان بردارد، اما پسر دایی شاهوردی، با نام حسین خان فیلی را به قدرت رساند،

کوچک» خوانده شد. (اقبال آشتیانی ۱۳۸۴: ۳۲۵-۳۲۶). این دو در واقع دو سلسله جدا از همدیگر بودند و ارتباط خاصی با همدیگر نداشتند، به جز این که به عنوان دو همسایه بر مناطق لر نشین حکم می‌راندند و بنابراین هر دو «اتابکان لر» خوانده شدند. (ن.ک: خودگو ۱۳۷۸، نوروزی ۱۳۹۳، گودرزی ۱۳۹۶).

قلمرو لر کوچک که بعدها لرستان فیلی خوانده شد، شامل استان‌های ایلام و لرستان امروزی، به ضمیمه بخش‌هایی از شرق بغداد و جنوب کرمانشاه، نزدیک‌ترین منطقه غیر عرب به پایتخت خلفاء عباسی بود، در قرون اولیه اسلامی این منطقه حاکمیت مجزایی نداشت، حقوق دیوانی آن «مخصوص دارالخلافه» بود (ترکمان ۱۳۸۲: ۴۶۹)، یعنی «عمال دیوان دارالخلافه» هر سال به صورت مستقیم اقدام به گردآوری مالیات می‌کردند (نطنزی ۱۳۸۳: ۴۹). بدیهی است تشکیل حکومتی مجزا در این سرزمین به مذاق خلفاء و کارگزاران ایشان خوش نمی‌آمد.

اتابکان لر کوچک را امیری محلی با نام «شجاع الدین خورشید» تأسیس کرد. پس از وی، برادرزادگان و نوادگانش پیای وارث حکومتش شدند و برای مقاومت در برابر فشارهای روزافزون خلافت بغداد که حتی منجر به قتل پنجمین اتابک شد، به مغولان نزدیک شدند. (مستوفی ۱۳۸۱: ۵۵۷).

گرایش به مغولان احیاء حاکمیت اتابکان را در پی داشت، اما آنان را دچار چالشی شدیدتر با یک قدرت تمرکزگرای جدید (ایلخانان مغول) کرد. در حالی که از پنج اتابک معاصر خلفاء فقط یک نفر قدرتش را به واسطه دخالت خلفاء از دست داد، از ۱۰ اتابک معاصر مغولان حداقل چهار نفر با دخالت مستقیم مغولان قدرتشان را از دست دادند که سرنوشت سه نفر از آنان مرگ بود، همچنین در دوره دولت خاتون (اتابک سیزدهم) در عمل ماموران مغول حکومت را می‌چرخاندند. (نطنزی ۱۳۸۳: ۵۶).



دختر شاهوردی را به عقد او درآورد و با هم در عمل شعبه جدیدی از ایل سلویزی، با نام جدیدی (والیان لرستان فیلی) به قدرت رسیدند (منجم یزدی ۱۳۶۶: ۱۶۰، بهرامی ۶۲-۶۳).

بحث و نتیجه‌گیری

لر کوچک قلمروی نبود که شاهان و خلفاء از آن صرف نظر کنند، موقعیت استراتژیک آن در میانه عراق عرب و عجم، مشرف بر بغداد، اصفهان، همدان و غیره، جمعیت قابل توجه، اسبان و سواره نظام ورزیده و منابع طبیعی، محصولات دامی و اخذ مالیات، پادشاهان را وسوسه می‌کرد خواهان کنترل بیشتری بر این سرزمین باشند، آنها بارها و بارها به این سرزمین لشکر کشیدند و کوشیدند حکمرانی بومی آن را از بین ببرند و تضعیف کنند، در موارد متعددی موفق می‌شدند اتابک یا والی را عزل کنند و حتی بکشند، اما هربار مجبور بودند حاکم بعدی را از همان خانواده انتخاب کنند زیرا طوایف ساکن منطقه از خاندان اتابکان (جنگروی) و کسی غیر از ایشان قادر به کنترل اوضاع لرستان نبود.

اتابکان لر کوچک (۱۱۷۵ م تا ۱۵۹۸ م) بیش از چهار قرن مناطق وسیعی از غرب ایران را از تمایلات تمرکزگرایانه قدرت‌های برتر (شاهان و خلفاء) دور می‌کردند، این مقاومت نمونه‌ای قابل توجه و مثال نقضی جالب برای تصویری است که پیشینه حکمرانی در ایران را محدود به رویه‌های تمرکزگرایانه پادشاهان می‌کند.

روایت‌های به نسبت مفصلی که از برخی درگیری‌های اتابکان با شاهان مقتدر باقی مانده توضیح می‌دهد اتابکان چگونه با پشتیبانی طبیعت و مردم قلمروشان در برابر قدرت نظامی برتر مقاومت می‌کردند. دو روایت مفصل‌تر شامل روایت عالم آرای صفوی از برخورد شاه رستم اتابک لر کوچک با شاه اسماعیل صفوی (ناشناس ۱۳۵۰: ۱۳۰-۱۳۷) و روایت عالم آرای عباسی از برخورد شاهوردی (اتابک لر کوچک) و شاه عباس اول (ترکمان ۱۳۸۲: ۴۷۰-۴۷۳، ۵۳۷-۵۴۱) را به عنوان نمونه می‌توان مورد بررسی بیشتر قرار داد. در این دو روایت و اشارت‌هایی که در سایر منابع دست اول وجود دارد به نقش «طبیعت کوهستانی»، «کوچ» و «طوایف» به عنوان سه پشتیبان حاکمان محلی اشاره شده است:

۱) طبیعت کوهستانی

قلمرو لر کوچک بیشتر سرزمینی کوهستانی است، اقدامات نظامی در چنین سرزمینی در مقایسه با دشت‌های هموارتر متفاوت است. لشگرهای بزرگ و مجهز در این مناطق کمتر به کار می‌آیند جابه‌جایی هماهنگ و متمرکز جمع‌گیری از افراد پیاده و سواره نظام و به خصوص حمل و نقل تجهیزات نظامی کار دشواری است. این شرایط حاکمان محلی را قادر می‌ساخته است بتوانند در برابر لشکرکشی شاهان بزرگ و مقتدر امکان مانور داشته باشند. در هر دو روایت پیش گفته

آشکار است که کوهستانی و صعب‌المسالك بودن منطقه از موثرترین عوامل مورد بهره‌برداری حاکمان لرستان بوده است.

۲) سبک زندگی کوچندگی

دست‌یابی و کنترل کوچندگان با توجه به فقدان اقامت در سکونتگاه‌های متمرکز دشوار بوده است. آنها به صورت مداوم در حال حرکت و توقف‌های کوتاه در مسیر گرمسیر - سردسیر هستند و برای یک پادشاه تمرکزگرا سخت است بتواند کنترل کامل و مستمری بر ایشان داشته باشد. از این گذشته استفاده از اسب در فرهنگ کوچ، عشایر را تبدیل به نوعی سواره نظام می‌کند که هرگاه اراده کنند بتوانند برای دیگران ایجاد دردرس کنند.

۳) ساختار طایفه‌ای

باید تأکید کرد کوهستانی بودن سرزمین لر کوچک و ویژگی کوچندگی به تنهایی نمی‌تواند توجیه‌گر ناتوانی پادشاهان در کنترل بیشتر لرستان باشد. این عوامل شاید می‌توانست فرصت خوبی برای گریز اتابکان و والیان از مهاجمان قدرتمند باشد، اما بازگشت آنها به قدرت بدون استقبال و حمایت اهالی نمی‌توانست ممکن شود. این ویژگی‌ها همان‌طور که به حاکمان توانایی مقاومت در برابر مهاجمان بیرونی (خلفاء و شاهان) می‌داد، می‌توانست منجر به نافرمانی سایرین، پیدا شدن مدعیان بی‌شمار و آشوبی سراسری و دائمی در منطقه شود، شبیه وضعیتی که پیشکوه (استان لرستان امروزی) پس از خارج شدن از فرمان والیان (از زمان فتح‌الحی شاه قاجار) تجربه کرده است. ناتوانی والیان منصوب قاجار در کنترل پیشکوه به خوبی نشان می‌دهد نمی‌توان تنها در پناه کوهستان طولانی بودن دوره حکمرانی اتابکان و والیان را توضیح داد. نه فقط والیان منصوب قاجار که غیر بومی بودند، بلکه حتی نایب‌الحکومه‌های بومی ایشان نیز قادر نبودند جایگزین خلأ والیان فیلی شوند. (والیزاده معجزی ۱۳۸۲: ۳۴).

بی تردید اگر ساختار طایفه‌ای مردم لر کوچک و نوعی ائتلاف دائمی میان سران این طوایف نبود پس از هربار وفات، برکناری یا کشته شدن اتابکان بازگشت دوباره نظم، آن هم بدون دخالت یک قدرت برتر خارجی ناممکن می‌شد. آنها بارها منصوبان غیر بومی شاهان و خلفاء را «با یک تاپیراهن» (به تعبیر کمهر ۱۳۶۸: ۱۶۲) بیرون می‌کنند و با شورشیان و مدعیان محلی را فقط به جرم عدم انتساب به تبار شجاع‌الدین خورشید (سر سلسله اتابکان لر کوچک) کنار می‌گذارند (نظیر کاری که با «حسام‌الدین عمر» کردند، ابن‌حسام‌الدین از سرداران اتابک بود و توانست با زور و غلبه قدرت را قبضه کند اما وقتی بر تخت نشست سران طوایف به این جرم که «در او تخمه ملکی نبود» علیه وی شوریدند، مستوفی ۱۳۸۱: ۵۵۹).

دکه مطبوعاتی



فصلنامه مطالعات ایران شناسی به صاحب امتیازی بنیاد ایران شناسی؛ تلاش دارد، با ایجاد بستری مناسب، برای طرح مباحث مختلف ایران شناسانه، پرتوی اندک در سهم و اندازه خود بیفکند. در واقع رویکرد اصلی در انتشار این فصلنامه توجه به موضوع‌هایی است که به اقتضای شرایط، ضروری به نظر می‌رسند. از این رو سعی شده، تمام یا بیشتر مسائل مربوط به ایران در این فصلنامه مد نظر قرار گیرند. از اهداف اصلی این نشریه پرداختن به مباحث نظری ایران شناسی و طرح تعاریف در چپستی و چرایی این شاخه از علوم انسانی است.

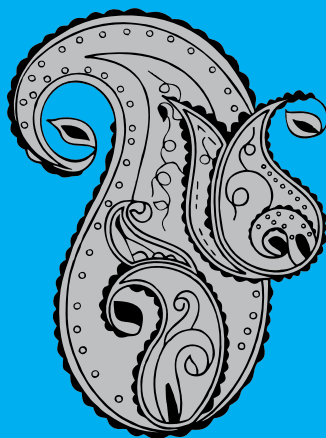
دانش ایران شناسی برای گسترش دامنه علمی خود نیازمند تامل و دور اندیشی، همراه با فراست و درک بیشتر در حوزه مفاهیم، تعاریف و بیان حدود و ثغور خود است؛ زیرا این دانش با توجه به رویکرد نوین ایرانی خود از پیشینه چندانی برخوردار نیست و ضرورت باز تعریف از آنچه خود، آن را ایران شناسی می‌داند، مشهود است.

تا کنون چهارده شماره از این فصلنامه منتشر شده و در دسترس علاقمندان است.

* دکترای جامعه‌شناسی

- اقبال آشتیانی، عباس و باقر عاقلی (۱۳۸۴). تاریخ ایران پس از اسلام. تهران: نامک
- بدلیسی، شرف خان بن شمس الدین (۱۳۷۷). شرفنامه؛ تاریخ مفصل کردستان. تهران: اساطیر. چاپ اول
- رهبرن، میثم‌اثیل (۱۳۴۹). نظام ایالات در دوره صفویه. ترجمه: کیکاوس جهان‌داری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. چاپ اول
- بهرامی، روح الله (۱۳۸۸). سلسله والیان لرستان. تهران: حروفیه. چاپ اول
- ترکمان. اسکندر بیک (۱۳۸۲). عالم آرای عباسی. زیر نظر: ایرج افشار. تهران: امیرکبیر. چاپ سوم
- حافظ نیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۸۳). افق‌های نو در جغرافیای سیاسی. تهران: سمت
- خودگو، سعادت (۱۳۷۸). اتابکان لر کوچک. خرم آباد: افلاک
- سمیع، میرزا (۱۳۷۸). تذکره الملوک به کوشش دبیر سیاقی. تهران: امیرکبیر. چاپ سوم
- کمپفر، انگلگرت (۱۳۶۸). سفرنامه. ترجمه کیکاوس جهان‌داری. چاپ اول. تهران: خوارزمی
- گودرزی، حسین (۱۳۹۶). اتابکان لر بزرگ (حکومتی دیرپا و تأثیرگذار بر هویت مردم لرستان بزرگ). تهران: شمس مشاهیر چاپ اول
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: امیرکبیر. چاپ چهارم.
- منجم یزدی، ملا جلال الدین (۱۳۶۶). تاریخ عباسی (روزنامه ملا جلال). به کوشش سیف الله وحیدنیا. تهران: وحید
- میرحیدر، دره و دیگران (۱۳۹۲). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: سمت
- ناشناس (۱۳۵۰). عالم آرای صفوی. به کوشش یدالله شکر. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. چاپ اول
- نطنزی، معین الدین (۱۳۸۳). منتخب التواریخ معینی. به اهتمام پروین استخری. تهران: اساطیر. چاپ سوم
- نوروزی، عزت الله (۱۳۹۳). تاریخ تحولات: اتابکان لر بزرگ در منطقه بختیاری. اصفهان: شرکت سروستان سپاهان. چاپ اول
- الیزاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰). تاریخ لرستان؛ روزگار قاجار. تهران: حروفیه. چاپ اول

سازمان
زبان



توق

فصل دوم:

نهادشناسی

با مطالبی از:

شیما حیدری / صاحب امتیاز و مدیرمسئول مجله عقیق غرب
مهدی رضائی مفرد / پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس

گروه تاریخ بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس
گروه مشاهیر بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس

اسماعیل شهبازی / پدر علم ترویج کشاورزی ایران

حمید سیف / مدرس دانشگاه

گروه زبان و گویش بنیاد ایران‌شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس





نهایوند در دل زاگرس

انواع بادام و غیره اشاره نمود. متأسفانه به دلیل رشد جمعیت در قرن اخیر و نیاز به سوخت، منبع غذایی برای دام‌ها و زمین‌های کشاورزی بهره‌برداری غیراصولی از این جنگل‌ها به کلی چهره آنها را دگرگون نموده و به جز در نقاط معدودی نشانی از انبوهی سابق این جنگل‌ها نیست.

همچنین در حدود ۱۰۰ هزار سال پیش از میلاد آثار بر جای مانده از غارنشینی در کوه‌های زاگرس در غرب ایران بیانگر سکونت انسان در این مناطق در دوره پارینه‌سنگی میانی (۳۰ هزار تا ۳۰۰ هزار سال پیش) است.

به‌طور کلی در هزاره سوم، دوم و اول قبل از میلاد، دامنه‌های شرقی و غربی زاگرس و زاویه جنوب غربی ایران یکی از مراکز مهم تجمع اقوام گوناگون در جهان بوده که دارای نژادی مشترک، فرهنگ و تمدنی مشابه با حکومت‌های به نسبت مهم بوده‌اند که در رأس آنها عیلام قرار داشت.

در این بین نهایوند نیز در زاگرس خودنمایی می‌کند. نهایوند در جنوب غربی استان همدان بعد از همدان و ملایر سومین شهر بزرگ استان به حساب می‌آید. نهایوند از تاریخی ترین و با تمدن‌ترین شهرهای ایران است و نام آن به دفعات در منابع تاریخی ذکر شده است. بخشی از جنگل‌های بلوط ناحیه زاگرس در نهایوند قرار دارد.

استان همدان دارای ۹۰۵ هزار هکتار اراضی ملی است که بیش از ۴۲ هزار هکتار از آن جنگل‌های طبیعی، دست کاشت و اراضی جنگلی است. شهرستان نهایوند نیز یکصد هزار هکتار مرتع و جنگل دارد که ۳۰ درصد از مساحت این شهرستان را شامل می‌شود. ۲۳ هزار هکتار اراضی ملی نهایوند پوشش جنگلی است که ۶۸۵ هکتار از آن جنگل در دست کاشت بوده و هفت هزار و ۵۰۰ هکتار در محدوده طرح صیانت از جنگل‌های تخریب شده قرار دارد.

اگر بخواهیم از قدمت و تاریخ زاگرس بنویسیم دفترچه‌ای قطور خواهد شد. زاگرس رشته کوهی مهم در

ایران که جزء کوه‌های غربی و جنوبی ایران شمرده و به سه بخش شمالی، میانی و جنوبی تقسیم می‌شود. پهنه رویشی زاگرس شامل رشته کوه‌های زاگرس، وسیع‌ترین و اصلی‌ترین رویشگاه گونه‌های مختلف بلوط در ایران بوده و به همین دلیل این منطقه از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است. جنگل‌های بلوط منطقه زاگرس از منتهی‌الیه شمال غربی ایران (استان آذربایجان غربی) آغاز و سپس غرب (استان‌های همدان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و لرستان) و جنوب غرب ایران (استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و فارس) را طی می‌کند.

در بین ۱۱ استان واقع در ناحیه رویشی زاگرس، استان‌های فارس، لرستان و خوزستان مقام‌های اول تا سوم را از نظر وسعت رویشگاه‌های جنگلی و درختی دارا می‌باشند. دشت برم بزرگ‌ترین جنگل بلوط ایران و خاورمیانه، ذخیره‌گاه زیست کره یونسکو و زیستگاه بیش‌ترین تعداد گوزن زرد ایرانی است.

جنگل‌های زاگرس با گستردگی در ۱۱ استان کشور ۶ میلیون هکتار مساحت، ۴۰ درصد جنگل‌های ایران را تشکیل می‌دهند که حدود ۷۰ درصد تیپ گونه‌های جنگلی زاگرس را بلوط‌ها شامل می‌شوند. بارندگی این ناحیه از ۶۰۰ میلی‌متر در قسمت‌های شمالی تا ۳۰۰ میلی‌متر در جنوب غرب در نوسان است. اقلیم منطقه نیز مدیترانه‌ای نیمه خشک با زمستان‌های سرد است. از سایر گونه‌های درختی این جنگل‌ها می‌توان به افرا، کیکم، پنه، زبان گنجشک، گلایه وحشی، ولیک، ارغوان،



مهدی رضائی مفرد

پژوهشگر بنیاد ایران شناسی دفتر منطقه‌ای زاگرس

گردشگری شهری موتور محرک نهادند

منطقه وارد می‌شوند، یک فرصت شغلی ایجاد می‌شود. بنا بر آمار ایجاد هر شغل در ایران برای دولت بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان هزینه در بر دارد، در حالی در مناطق برخوردار از امکانات گردشگری با صرف هزینه‌های اندک در راستای ایجاد زیرساخت‌های گردشگری می‌توان با صرف همین میزان هزینه، بیش از ۵۰ گردشگر را به صورت میانگین جذب نمود و این یعنی چیزی حدود ۸۰ درصد صرفه‌جویی اقتصادی برای دولت.

شهرستان نهاوند از نظر قابلیت‌های گردشگری تنوع بسیاری دارد به شکلی که امکان جذب گردشگر در بسیاری از زیر بخش‌های گردشگری در آن نهفته شده است، اما متأسفانه به دلایل مختلف تا کنون در این بخش چندان موفق عمل نشده است. تنها بخشی که تا حدی توانسته در جذب مسافران به شهرستان نهاوند عمل کند، طبیعت گردی است.

اما افرادی که به منظور طبیعت گردی وارد شهرستان نهاوند می‌شوند، را با توجه به عدم اقامت حداقل یک شب در شهرستان، نمی‌توان گردشگر قلمداد کرد. زیرا به طور معمول این افراد از شهرهای مجاور با وسایل نقلیه شخصی خود مسافرت می‌کنند، هزینه اقامتی پرداخت نمی‌کنند، به طور معمول مواد غذایی را با خود از مبدأ حمل می‌کنند، به دلیل عدم وجود امکانات تفریحی و گشت، هزینه‌ای برای آن

در جهان امروز گردشگری به عنوان یک صنعت شناخته می‌شود و حتی در رده صنایع پولساز رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. در یک تعریف کلی که سال ۱۹۹۵ از سوی سازمان جهانی گردشگری ارائه شد، گردشگری عبارت است از مجموعه فعالیت‌های فرد یا افرادی که به مکانی غیر از مکان عادی زندگی خود مسافرت کرده و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آنجا اقامت می‌کنند و هدف از مسافرت آنان نیز گذراندن اوقات فراغت است.

یکی از مهمترین نقاط اهمیت گردشگری درآمدزایی و اشتغال‌زایی آن محسوب می‌شود. درآمدی پایدار که برخلاف اغلب صنایع‌ها نه تنها منابع طبیعی در آن مصرف نمی‌شود، بلکه به ایجاد زیرساخت‌های بیشتر در منطقه کمک کرده و به دوسستی و برقراری روابط بین ملت‌ها کمک می‌نماید. درآمدزایی این بخش شامل هزینه خوراک، محل اقامت، تفریحات، حمل و نقل، گشت‌ها و خرید سوغات و تولیدات محلی هر منطقه می‌باشد.

گردشگری زمینه‌ای مناسب برای اشتغال فراهم می‌آورد و برای جوامعی با جمعیت جوان و متقاضی کار به شدت مفید است، زیرا گفته می‌شود به ازای هر ۱۰ نفر گردشگر که به یک

وجود موزه‌های موضوعی در هر شهر می‌تواند یکی دیگر از برنامه‌های توسعه گردشگری شهری باشد، اتفاقی که در شهرستان نهاوند به صورت اسمی اتفاق افتاده و چهار موزه تاریخ و فرهنگ، شهید، مردم‌شناسی و خانه آیت الله قدوسی در آن وجود دارد؛ اما در این بین فقط موزه مردم‌شناسی آن هم به دلیل واقع شدن در حمام تاریخی حاج آقا تراب مورد استقبال قرار می‌گیرد، موزه تاریخ و فرهنگ با وجود قرار گرفتن در مرکز شهر و امکانی که از سوی شهرداری برای استقرار آن فراهم شده و موزه شهید به دلایل مختلف از جمله عدم تبلیغات مناسب مورد استقبال قرار نگرفته و موزه خانه شهید قدوسی به نام موزه مشاهیر مکان اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی است نه موزه‌ای برای جذب گردشگر.

فضاهای گردشگری رابط اصلی و پیوند دهنده فضاهای پویای شهری و گردشگران هستند و می‌توانند علاوه بر نقش اقتصادی و اجتماعی، عامل اساسی توسعه شهری محسوب شوند

توسعه گردشگری شهری نیازمند مدیریتی قوی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب می‌باشد، که مهمترین آنها وجود امکانات رفاهی و تفریحی، معرفی درست قابلیت‌ها، سوق دادن گردشگران به مکان‌هایی نظیر بازار و ایجاد جاذبه‌های گردشگری می‌باشد، ساماندهی بام نهاوند، ایجاد پیاده‌راه سعدی و احداث پارک چهارباغ را می‌توان نمونه‌هایی از این اقدامات دانست که از سوی مدیریت شهری در حال انجام است.

امروزه پدیده گردشگری شهری به دلیل ویژگی‌های محیط طبیعی در حال ایجاد پیوند عملکردی با طبیعت‌گردی می‌باشد و همین امر یکی از عوامل افزایش جذب گردشگران و نیز افزایش میل به مدت ماندگاری بیشتر آنان می‌باشد. از سوی دیگر، کمبود زیرساخت‌های مختلف خدماتی، اقامتی، ارتباطی، رفاهی و غیره در شهر نهاوند خود به عنوان عاملی منفی در حال نقش آفرینی بوده و حجم ورود و جذب گردشگران و نیز مدت ماندگاری آنان را به گونه‌ای منفی تحت تاثیر قرار داده است. شهرستان نهاوند با برخورداری از جاذبه‌های طبیعی فراوان به عنوان مقصد بسیاری از گردشگران نیازمند تقویت و توسعه انواع ساختارهای زیربنایی می‌باشد تا گردشگران ضمن بازدید از جاذبه‌های طبیعی از موارد تاریخی و اماکن تفریحی شهر هم بهره‌مند شوند. بدیهی است که در صورت تقویت جاذبه‌های شهری اثرات مثبت اقتصادی درخور توجهی را از حیث اشتغال‌زایی، رونق بازار و منابع ناشی از آن نصیب شهروندان خواهد شد.

پرداخت نمی‌کند و حتی به دلیل عدم معرفی و شناخت سوغات و صنایع‌دستی شهرستان را نمی‌خرند. در مکان‌هایی نظیر سراب گیان هم که ورودی پرداخت می‌کنند در حساب نهایی میزان هزینه‌ای که روی دست سیستم می‌گذارند بیش از مبلغی است که پرداخت کرده‌اند. این افراد نه تنها نقشی در پویایی صنعت گردشگری ندارند، بلکه برای آن معضل محسوب می‌شوند، زیرا با ورود به مناطق طبیعی بکر بودن را از بین می‌برند، در محیط طبیعی از خود آثاری نظیر زباله‌های مصرفی، تغییر محل، آلوده‌سازی آب و طبیعت، برهم زدن نظم اکوسیستم، تاثیرات منفی فرهنگی در منطقه و ... را به جا می‌گذارند. یکی از نکات مهم در طبیعت‌گردی، دست‌نخورده نگاه داشتن، مناطق طبیعی است که از سوی سازمان‌های جهانی نیز به شدت روی آن تاکید شده است. از این رو تمام امکانات رفاهی-تفریحی باید در محیط پیرامونی آنها ایجاد و از هر گونه تعرض به حریم این مناطق باید جلوگیری شود.

بحث دیگری که در حوزه گردشگری نهاوند می‌توان به آن پرداخت گردشگری شهری است؛ ساختار شهری نهاوند به گونه‌ای است که چندین منطقه گردشگری نظیر آستان مقدس شاهزاده محمد و علی (ع)، حمام و مسجد حاج آقا تراب، بازار سنتی، خانه‌های تاریخی، درختان کهنسال میدان قیصریه از یک سو و طبیعت خاص شهری که شامل درختان چار داخل شهر و محیط پیرامونی شهر که نهاوند را به یک باغ‌شهر تبدیل کرده می‌توانند جاذبه‌های متنوعی را برای جذب گردشگر به همراه داشته باشد. این فضاهای گردشگری رابط اصلی و پیوند دهنده فضاهای پویای شهری و گردشگران هستند و می‌توانند علاوه بر نقش اقتصادی و اجتماعی، عامل اساسی توسعه گردشگری شهری و حضور فعال گردشگران در فضاهای شهری، محسوب شوند.

گردشگری شهری بازدید از شهرهاست و هدف آن دیدار از مکان‌های دیدنی، خرید کردن، انجام کسب و کار یا لذت بردن از سرگرمی‌های موجود در فضایی شهر است. گردشگری شهری از نخستین گونه‌های صنعت گردشگری است که از دهه ۵۰ میلادی جای خود را در بین انواع دیگر گردشگری نظیر روستایی، ساحلی و کوهستانی باز کرده است و با تلاشی که شهرها برای جذب گردشگر دارند روز به روز رونق بیشتری می‌یابد. از این رو می‌توان گفت گونه‌ای نوین نیست بلکه در حال اوج‌گیری مجدد می‌باشد.

گردشگری شهری یکی از پیچیده‌ترین انواع گردشگری از نظر مدیریتی می‌باشد. با وجود این، هر روز بر شمار شهرهایی که خواستار جذب گردشگر هستند، افزوده می‌شود. حتی شهرهای صنعتی پیشین نیز در حال بازساخت و جایگاه‌یابی مجدد خود به عنوان مقصدهای گردشگری هستند؛ ایجاد تورهایی یک یا چند روزه گردشگری شهری یکی از مهمترین اقداماتی است که در این حوزه در حال انجام است.

سفرنامه عراق عجم



سفرنامه‌ها یکی از مهمترین منابع برای بررسی‌های تاریخی به شمار می‌رود که طی آن احوال هر منطقه در دوران مورد بحث به خوبی نمایان می‌شود، در میان سفرنامه‌هایی که به منطقه نهاوند پرداخته است، سفرنامه عراق عجم به قلم ناصرالدین شاه قاجار که به صورت روزانه نوشته شده، جزئیات خوبی را در اختیار می‌گذارد. بخش اول این سفرنامه به توضیح سراب گاماسیاب و روستاهای مسیر آن پرداخته شده است.

روز چهارشنبه یازدهم

[ذی‌الحجه ۱۳۰۹] سراب

گاماساب

امروز باید به سراب

گاماساب برویم. صبح از اول آفتاب قال و مقال و همه قسم صدایی بلند بود. سواره قزاق حرکت کرده، می‌گذشتند. موزیک می‌زدند و خوب هم می‌زدند. بعد توپچی‌ها گذشته، شیپور می‌زدند. دیگر انواع صداهای مختلف از آدم و اسب به گوش می‌رسید. زودتر برخاستیم، رخت پوشیده، آمدیم بیرون. دم در، جناب امین‌السلطان حاضر بود. جمعی دیگر هم از قبیل قهرمان میرزا پسر عزالدوله، که حاکم نهاوند بوده سرداری ترمه هم به او خلعت داده شده بود، پوشیده به حضور آمده بود که مرخص شده به تهران برود. دیگر خوانین گودرزی که همه مخلع شده بودند حضور داشتند و جناب امین‌السلطان آنها را معرفی می‌کرد. بعد سوار کالسکه شده، رانندیم. از همان راهی که دو روز پیش از سمت جعفرآباد به اردو آمده بودیم، رفته نزدیک جعفرآباد بالای تپه‌ای که به سمت جعفرآباد می‌رفت، از کالسکه پیاده شده، سوار اسب شدیم و به سمت دست چپ رو به دره‌های کوه برفی حرکت کردیم. هوا هم بسیار خوش بود. مطلقاً عرق نکردیم، بلکه بعضی اوقات چتر هم جلوی آفتاب نگاه نمی‌داشتیم. تمام راه از کوه و تپه و دره یا زراعت

بود یا سنگ که دیگر قابل زراعت نبود. دست چپ راه، به فاصله یک میدان، قریه جوجه حیدر و کمره بود و از سمت آنجا یک جاده نرم بسیار خوبی بود که به آسانی می‌شد بالای کوه رفت، اما حالا وقت رفتن نداشتیم و بلد هم نبودیم. همین قسم آمدیم تا رسیدیم به بالای تپه‌ای که در زیر آن تپه ده سوران [سهران] واقع بود. قبل از رسیدن به اینجا، آبادی این ده به هیچ وجه پیدا نبود. نزدیک ده بیدستان زیادی داشت، به سمت بیدستان رانندیم. از بالای همین تپه که نگاه کردیم اردو در میانه ده‌سوران و شهر نهاوند پیدا بود.

شهر نهاوند و باغستان محوطه آن و دره سبزی که از اینجا تا نهاوند امتداد دارد، خیلی خوش منظر و با تماشا بود. آمدیم در زیر سایه چند بید کهن که دور از ده بود، به ناهار افتادیم. آفتابگردان زدند، جلو آفتابگردان شیر زاری است که گل کرده و بوی بسیار خوشی می‌داد. یک سمت آفتابگردان زراعت گندم بود در کمال سبزی و خضارت، زمین و هوا هم در نهایت روح و صفا، طبیعت زمین و حالت هوای اینجا بسیار شبیه است به نیشابور صحرا و هوا از این با صفات و لطیف‌تر نمی‌شود، نمونه‌ای از بهشت است. پیرزنی در اینجا دیدیم که باید صد و بیست سال داشته باشد، گلی نام با یک پسری که اسمش شریفعلی، اما خیلی کثیف بود و وضع و حالتی خیلی مضحک داشتند، دیده شدند. قدری با پیرزن صحبت و فرمایش کردیم

دست چپ: چقاوک، خاک نهاوند، شب ماه، سوران، پاماش،
گره، باباقاسم، بیان، ده حیدر خالصه، ورائنه.

عصر امیرخان سردار که به جهت تعیین جای سرپرده و اردو
رفته بود، مراجعت کرده، در ناهارگاه به حضور رسید. جای و
عصرانه خورده، سوار شده، روانه منزل شدیم و از دم ده سوران
عبور کردیم. امیرخان سردار یک شب قبل از ما رفته بود به
سراب گاماسب و حالا جلو ما آمده بود. رانندیم رو به مغرب. خاک
نهاوند به طول افتاده است، طرف شمال نهاوند، ملایر است و
سمت جنوب آن کوه لرستان، سمت مشرقش بروجرد است و
مغرب آن منتهی به خاک خزل و اسدآباد می شود. عود، جگر خاک و
دره نهاوند دو فرسنگ زیادت نیست، ولی طول آن پانزده الی
بیست فرسخ می شود. خلاصه راه زیادی رانده، همه جا از کنار
حاصل زراعت می رفتیم و هر چه نگاه می کردیم، زراعت دیمی
یا آبی بود. شد یک قطعه زمین بایر لم یزرع دیده نمی شد؛ آنچه
دیمی کاشته شده، یا درو می کنند یا حاضر درو است و آنچه
زراعت آبی است، هنوز سبز است.

همین که از دره سوران گذشتیم، کوهی از سمت دست چپ
نمایان شد که اسمش پاماش بود. یک مرتبه دیدیم ده پانزده نفر
رعیت از آن کوه سرازیر شده، رو به طرف ما می دوند. معلوم شد
می خواهند ما را زیارت کنند! ما هم چون دیدیم آنها خیلی مایل
به زیارت ما هستند، فرمودیم مانع نشوند تا نزدیکتر بیایند و جلو
اسب کشیدیم. نزدیک آمده تا رکاب ما را بوسیدند و دعا کردند و
رفتند!

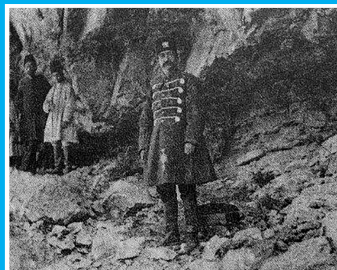
دهی در دست راست پیدا بود که تپه‌ای سنگی مشرف به آن
بود و خانه‌های ده متصل به آن تپه بود. اسم این ده را کرک
گفتند. وسط جلگه نهاوند هم ده باباقاسم که بر روی تپه واقع
است، پیدا بود. یک قلعه خوبی هم روی تپه ساخته‌اند. سایر
خانه‌ها و عمارات ده هم زیر قلعه و اطراف تپه بنا شده است. از
دور خیلی خوش وضع و قشنگ به نظر آمد. از اینجا گذشته،
دهی دیگر هم در دست راست دیدیم که پنهانتر می گویند تمام
راه دره و تپه بود و دست راست ما هم نه‌ری بود. قدری دیگر که
رفتیم، غلام‌ها و سوارهای شهری که از نهاوند آمده بودند

بعد انعامی به آنها داده فرمودیم، بیاورند عکسشان را ببینازند.
وقتی شیشه و اسباب عکس را آوردند، ضعیفه چون هرگز ندیده
بود، واهمه کرد و وقتی عکاس در دوربین را می خواست بردارد
ضعیفه از ترس بی خود شده و می خواست انعامی که به او داده
شده بود، پس بدهد که او را رها کنند برود. خلاصه هر طور بود،
عکسش را انداختند و فهمید ضرری به حال او ندارد. آسوده شده
رفت.

امروز مجدالدوله و فخرالملک و حسن خان چند فره کبک
زده بودند، فره کبک‌های اینجا بزرگ و خوردنی شده است. در
راهی که امروز آمدیم، اغلب سنگ کوراس ریخته بود و خیلی از
این سنگ دیدیم. بعد از ناهار دیدیم زن و بچه اهالی سوران از
دور ایستاده‌اند. فرمودیم نزدیک بیایند. گویا واهمه داشتند پیش
بیایند! حاجی آقا و ناظم خلوت قدری آنها را پول داده و رام کرده
جلو آوردند! باز دیدیم نزدیک نمی آیند. دوربین برداشتیم که آنها
را با دوربین نگاه کنیم. چشم‌شان که به دوربین افتاد، یک مرتبه
فرار کردند. گویا خیال کردند تفنگی است که می خواهیم به آنها
ببیندازیم. خلاصه کم کم رام شده، نزدیک آمدند. انعام به آنها
دادیم و از خارچنبر و هندوانه‌ای که نایب السلطنه از تهران با
پست برای ما فرستاده بود، دادیم خوردند. آخر به طوری رام
شدند که می خواستیم برونند، نمی رفتند. فرمودیم عکس همه را
انداختند.

این رشته کوه برفی دست چپ که از چهار محال اصفهان
امتداد دارد و دنباله آن الی گاماسب کشیده شده است تا به دره و
وسعت گاهی که راه خاوه از لرستان از آنجا است، همه جا بلند و
پر برف است، اما از دره مزبور به آن سمت رشته این کوه کم کم
کوتاه و پست می شود و دیگر هیچ برف ندارد و چشمه گاماسب
هم در همین دره است که به سمت نهاوند می رود. دهات دست
چپ و راست جاده که امروز دیدیم، از این اقرار است:

دست راست: کهکدان از خاک ملایر، انوح، خاک ملایر،
رحمان آباد، دره، انگشتر جعفرآباد، گل دره، انگشتر، اول خاک
نهاوند، اسپه خانی، میلو، کوشه، دشت، نثار، حسین آباد، بیازما،
بابارستم.



ناصرالدین شاه قاجار در سرچشمه سراب گاماسب
۱۱ ذی الحجه ۱۳۰۹ قمری برابر با ۱۷ تیر ۱۲۷۱ شمسی

کتابخانه



کتاب کرونما

نویسنده: محمد رضا عفتایی،
مهدی رضائی مفرد، شیمای حیدری

انتشارات زرنوشت، چاپ اول: ۱۳۹۹

قطع: جیبی

تعداد صفحات: ۱۶۶ صفحه

بها: ۱۹۹/۰۰۰ ریال

با شیوع بیماری کرونا، واکاوی ابعاد مختلف این بیماری به دغدغه اصلی پژوهشگران تبدیل شد. تدوین این کتاب در اولین روزهای شیوع بیماری آغاز شد.

کرونما، نام‌های است در خصوص واکاوی ابعاد مختلف شیوع بیماری کرونا؛ که در حقیقت یک مقاله بلند است، مقاله‌ای گروهی که با توجه به حجم و مطالب آن به صورت یک کتاب منتشر شده است. شاید با برخی مطالب این کتاب موافق باشید و برخی دیگر را یکسره باطل بدانید، به هر حال این نظر و نگاه نویسندگان کتاب است که به این صورت قلمی شده است. نوشتن این مطالب ادعای دانستن چیزی بیشتر از دیگران نیست، بلکه تنها تلاشی است برای دانایی، شاید تنها به این دلیل که نادانی عذاب‌دردناک است.

ملاحظه شدند. کامران میرزا پسر — مرحوم احمد میرزای معین‌الدوله که نایب‌الحکومه نیاوند است، با اولاد سلطان سلیم میرزای مرحوم و بعضی شاهزادگان توپسرکائی و غیره هم دیده شدند. کامران میرزا صورت سرخ و ریش سفیدی دارد که از بیخ زده است و سیبل‌هایش سیاه است. رجبعلی‌خان سرتیپ هم صاحب منصبان فوج ملایری را به حضور آورد. صاحب منصبان سواره بودند. خود رجبعلی‌خان پیاده ایستاده صورت اسامی صاحب منصبان را به عرض می‌رسانید. همه منصب صاحب‌ها با لباس‌های پاکیزه و اسب و اسلحه خوب بودند و از دستجات سوار اول سواره ابواب جمعی محمدخان را که ریاست قراسوران نیاوند، با اوست دیدیم که با پسرها و کسان و اتباعشان همه آمده بودند. بعد سوار نامدارخان خزل، که نیز با پسرها و کسان و اتباعش آمده بودند، ملاحظه شدند. بعد دسته سواری دیدیم که شاهزاده عمادالسلطنه حاکم ملایر و نیاوند و توپسرکان معرفی آنها را نموده، عرض کرد سواره سوردی هستند. بعد جناب امین‌السلطان و ساعدالدوله و امین خلوت و جلال‌الدوله پیدا شدند که معلوم شد در بین راه توی دهی به ناهار افتاده بودند و بعد از ناهار، آمده به رکاب ما ملحق شدند. بعد جمعیت زیادی از اهل شهر نیاوند و مردم تماشایی از هر قبیله و جماعت یهود با تورات‌ها و غیره دیدم اطراف راه ایستاده‌اند. جمعیت و ازدحام غربی بود. آمدم تا نزدیک اردو نهر بزرگی هم، چنان که پیش نوشتیم، از سراب گاماسب جدا کرده، به جهت زراعت به دهات اطراف می‌برد که همه جا در دست راست ما بود. بعد جلو راه به تپه‌ای رسید، آمدم به سر تپه، دیدیم اردو در وسط دره کنار رودخانه‌ای که از سراب گاماسب جاری است، در جای بسیار خوب با صفایی افتاده است. بسیار به وضعی خوش و محلی خوب اردو را زده‌اند. از تپه سرازیر شده، نزدیک سرپرده وارد اردو شدیم. با اینکه چندین نهر بزرگ از رودخانه گاماسب جدا کرده، به دهات اطراف برده‌اند، باز به قدر پانصد سنگ آب از این رودخانه جاری است و البته در سر چشمه و اول رودخانه بایستی به قدر هزار سنگ آب باشد که اینجا پانصد سنگ می‌شود. یک نهر هم که از بالا می‌رفته، شکسته‌اند و آبشار خوبی جلو سرپرده درست کرده که از بلندی جلو سرپرده به پایین می‌ریزد و آب بسیار خوب، سرد گوارایی دارد. اردو در میانه سه ده واقع شده که سرخ‌کن و وراینه و بیان است. دهرسرخ‌کن زیر دست اردو و وراینه بالادست اردو و بیان پشت دره اردو که طرف غربی اردو است، واقع است. شب هم هوای اینجا بسیار خوب بلکه به نهایت سرد است، طوری که ما علاوه بر پالتو و لباس خز، شال گردن هم بسته، همینطور نشسته بودیم و باز هم سردمان بود. دهی دیگر هم مقابل وراینه بالای اردو واقع است که اسمش دهیه است.

● قاجار، ناصرالدین (۱۳۶۲)، سفرنامه عراق عجم (یلاد مرکزی ایران)، تهران: تیراژه

نهایند در نزهة المشتاق

جمله منابع جغرافیایی اروپایی بود، نسخه‌های متعددی از آن در اختیار است. (انوری، ۱۳۹۰: ۲۴)

در کتاب نزهة المشتاق در مورد نهایند چنین آمده است:

نهایند شهر نیکوست از جبال، دارای باروی از گل و بناهایش نیز از خشت و گل است. باغ‌ها و بوستانهای میوه دارد و گردشگاه‌ها و آب‌های فراوان و تجارت‌خانه‌های بسیار و عمارت‌ها. (ادریسی، ۱۳۸۸: ۸۴)

● ادریسی، محمد بن محمد (۱۳۸۸)، ایران در کتاب نزهة المشتاق، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی

● انوری، امیرحوشنگ (۱۳۹۰)، وصف ایران و مناطق آن در برخی از نقشه‌های دوره اسلامی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی

محمد بن محمد بن عبدالله ادریسی متولد ۴۹۳ متوفی ۵۶۰ هجری قمری [برابر با ۱۱۰۰ تا ۱۱۶۵ میلادی] معروف به شریف ادریسی در شهر سبته در مراکش به دنیا آمد. دوران نخست علم آموزی او در زادگاهش طی شد و سرآغاز سفرهایش ابتدا از شهرهای مراکش بود. وی در سال ۵۳۳ هجری قمری به دربار روزه دوم پادشاه علم دوست سیسیل دعوت شد و نزد او و پسرش ویلیام اول منزلت فووق العاده یافت و تا پایان عمر در سیسیل ساکن شد. ادریسی دقیقاً در اوج تمدن نورمان‌ها در سیسیل به آنجا مهاجرت کرد و یکی از دانشمندان شاخص در مکتب علمی سیسیل است.

نزهة المشتاق فی الاختراق الأفاق اثر جغرافیای برجسته ادریسی است. در این کتاب نخست وصف مختصری از زمین به دست می‌دهد و سپس بر اساس روش هفت اقلیم یونانی - اسلامی جهان هفت اقلیم و هر یک از اقلیم ده جز دارند، به این ترتیب نزهة المشتاق شامل ۷۰ جزء است، که هر ۱۰ جزء در ذیل یک فصل قرار می‌گیرند. نزهة المشتاق تا مدت‌ها از





ابوالقاسم جنید بن محمد بن جنید خزاز
زجاج قواریری نهاوندی، معروف به جنید
بغدادی، از پرآوازه‌ترین عارفان و صوفیان
جهان اسلام در قرن سوم است.

جنید از نهاوند تا بغداد

تذکره الاولیاء

آن شیخ علی الاطلاق، آن قطب به استحقاق، آن منبع اسرار، آن مرتع انوار، آن سبق برده به استادی، سلطان طریقت جنید بغدادی رحمت الله علیه. شیخ المشایخ عالم بود و امام الائمة جهان و در فنون علم کامل و در اصول و فروع مفتی و در معاملات و ریاضات و کرامات و کلمات لطیف و اشارات عالی بر جمله سبقت داشت و از اول حال تا آخر روزگار پسندیده بود و مقبول و محبوب همه فرقت بود و جمله بر امامت او متفق بودند و سخن او در طریقت حجت است و به همه زبان‌ها ستوده و هیچکس بر ظاهر و باطن او انگشت نتوانست نهادن به خلاف سنت و اعتراض نتوانست کرد مگر کسی کور بود و مقتدای اهل تصوف بود و او را سید الطایفه گفته‌اند و لسان القوم خوانده‌اند و ابدال المشایخ نوشته‌اند و طاوس العلماء و سلطان المحققین.

و در شریعت و حقیقت به اقصی الغایه بود و در زهد و عشق بی نظیر و در طریقت مجتهد و بیشتر مشایخ بغداد در عصر او و بعد از وی مذهب او داشته‌اند و طریق او طریق صحواست به خلاف طیفوریان که اصحاب بایزیداند و معروف‌تر طریقی که در طریقت و مشهورترین مذهبی مذهب جنید است و در وقت او مرجع مشایخ او بود و او را تصانیف عالی است در اشارات و حقایق و معانی و اول کسی که علم اشارت منتشر کرد او بود و با چنین روزگار بارها دشمنان و حاسدان به کفر و زندقه و گواهی دادند و صحبت محاسبی یافته بود و خواهرزاده سری بود و مرید وی.

روزی از سری پرسیدند که هیچ مرید را درجه از درجه پیر بلندتر باشد؟ گفت: باشد و برهان آن ظاهر است جنید را درجه بالای درجه من است.

اوقاف گیب در ۱۹۷۶ میلادی در لندن به چاپ رسانده است. از جمله این نوشته‌ها نامه‌هایی است که جنید به یحیی بن معاذ رازی، عمر بن عثمان مکی، یوسف بن حسین رازی و برخی دیگر نگاشته است. همچنین است رساله‌های دواء الارواح، الفناء الميثاق، فی الاولیاء، فی الفرق بین الاخلاص و الصدق، آداب المفتقر الی الله، دواء التفريط و چند رساله کوتاه در توحید که نسخه‌های دست‌نویس آنها در مجموعه خطی کتابخانه شهید علی در استانبول نگهداری می‌شود.

جنید در سال ۲۹۷ هجری قمری در شهر بغداد وفات کرد. آرامگاه وی در قبرستان شونزیه در غرب بغداد و در کنار قبر دای‌اش سیری سقطی و صوفیان دیگری چون جعفر خلدی، رویم و سمون محب واقع است. در این محل خانقاه و مسجدی به نام جنید بنا شده است. گفته شده که در این مسجد سه قطعه سنگ سیاه وجود داشته است که بیماران برای شفا آن‌ها را بر محل درد می‌نهادند.

بر قبر جنید، یک ضریح مشبک با پوششی از مس، نصب شده است و بر قبر سری سقطی، یک ضریح چوبی نسبتاً ساده قرار دارد.

● احمددار، بشیر، (۱۳۶۲) «تخستین صوفیان: صوفیان پیش از حلاج»، ترجمه نصرالله پورجوادی، در تاریخ فلسفه در اسلام، به کوشش میان محمد شریف، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

● انصاری، عبدالله بن محمد، (۱۳۶۲) طبقات الصوفیه، با تصحیح و حواشی عبدالهی حبیبی، چاپ حسین آهی، تهران

● جامی، عبدالرحمان بن احمد، (۱۳۷۰) نفحات الانس، چاپ محمود عابدی، تهران

● دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران

● رادمهر، فریدالدین، (۱۳۸۰) جنید بغدادی (تاج العارفین): تحقیقی در زندگی و افکار و آثار، تهران

● زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۹) جستجو در تصوف ایران، تهران

● عطار، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۲) تذکره الاولیاء، تصحیح محمد استعلامی، تهران: زوار

● نوربخش، جواد، (۱۳۸۰) جنید، تهران

● Corbin, Henry, (1964) Historie de la philosophie islamique, vol. 1: Des origines Jusqu'a la mort d'Averroes) 1198, (avec la collaboration de Seyyed Hossein Nasr et Osman Yahya, Paris

● Massignon, Louis, (1975) La passion de Husayn ibn Mansur Hallaj, Paris

نسب و لقب جنید در منابع متقدم بیشتر به صورت جنید بن محمد بن جنید خزاز قواریری ضبط شده اما خواجه عبدالله انصاری لقب او را زجاج خزاز آورده است. گفته شده که چون پدر جنید تاجر شیشه (قواریری) و خود او تاجر ابریشم خام (خز) بوده است، جنید را قواریری و خزاز خوانده‌اند. او با القاب متعددی همچون طاووس العلماء، سلطان المحققین و سید طایفه یاد کرده‌اند. جنید به بغدادی و نهاوندی نیز شهرت دارد زیرا اصل او از نهاوند و محل تولد و رشد وی بغداد بوده است ماسینیون و کرین، زادگاه او را نهاوند دانسته‌اند. تاریخ تولد جنید معلوم نیست ولی بنا بر قرائنی به احتمال زیاد قبل از ۲۱۵ هجری قمری به دنیا آمده است.

نام و آوازه جنید نهاوندی بر دوره‌های مختلف تاریخ تصوف، سایه افکنده و تعالیم گسترده و آموزه‌های عرفانی دقیق او، بر بسیاری از عارفان نامدار و برخی از سلسله‌های عرفانی تأثیری شگرف نهاده است.

از کودکی، خانواده و نسب وی اطلاع چندانی در دست نیست. او در اوایل جوانی، نزد ابوتور ابراهیم بن خالد کلبی (فقیه مشهور) فقه آموخت و در بیست سالگی، در حضور وی، بر مذهب او که گویی مذهب مستقلی بوده است، فتوا می‌داد؛ از این رو پیش از آنکه صوفی باشد، فقیه به شمار می‌رود. عمده منابع، او را شافعی مذهب دانسته‌اند، اما ابن ابی یعلی، او را حنبلی پنداشته و رادمهر از امکان شیعه بودن وی سخن گفته است.

بنا بر سنت، نویسندگان احوال متصوفه، برای جنید نیز شجره طریقتی به دست داده‌اند. در تصوف استادان و مصاحبان مختلفی برای جنید بر شمرده‌اند، از جمله سری سقطی دای جنید، حارث محاسبی، ابوجعفر محمد بن قصاب، ابو جعفر بن الکرّنی/الکرّنی.

یکی از مهم‌ترین امتیازات جنید بر مشایخ وقت آن بود که علم را با حال و تجربه‌های عرفانی جمع می‌کرد و بر مراقبه باطن و محاسبه اعمال تأکید بسیار داشت؛ از این رو، هجویری مراقبه باطن را طریق جنیدیان می‌نامد. اغلب اوقات جنید به عبادت و ریاضت می‌گذشت، با این حال روزها به بازار می‌رفت و به تجارت می‌پرداخت. به گفته عطار وی برخلاف صوفیان، رقع و مرقعه بر تن نمی‌کرد و به رسم علما لباس می‌پوشید. جنید در طول سال‌هایی که سری سقطی تدریس می‌کرد، برای رعایت حرمت استاد، حتی با وجود اصرار خود وی، از وعظ و خطابه امتناع می‌کرد تا آنکه پیامبر اکرم (ص) را در خواب دید و به دعوت ایشان، درس و وعظ را آغاز کرد.

جنید به شعر علاقه داشت و گاه به ابیاتی ترنم می‌کرد. نویسندگان صوفیه ابیاتی را نیز به وی نسبت داده‌اند.

از جنید تعدادی نامه و رساله کوتاه به عربی باقی مانده است که مجموعه‌ای از آنها را علی حسن عبدالقادر ذیل مجموعه



اسماعیل شهبازی*

پدر علم ترویج کشاورزی ایران

مفاخر زاگرس

قدم به قدم با مهدی طالب

دکتر مهدی طالب، متولد مهرماه ۱۳۲۴ در نهاوند، مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه میرال فرانسه و نیز در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه دانیل فوشه-میرال تولوز فرانسه و دکتری خود را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه میرال فرانسه اخذ نمود. وی علاوه بر فعالیت‌های متعدد علمی و اجرایی، همواره سنگر دانشگاه را حفظ کرده و به دلیل علاقه به زادگاه خود در تأسیس دانشگاه‌های شهرستان نهاوند، نقشی فعال داشت و سال‌ها ریاست دانشگاه غیرانتفاعی امید نهاوند را نیز بر عهده داشت، وی پس از یک دوره بیماری و بستری شدن در بیمارستان، صبح یکشنبه ۵ مرداد ماه ۱۳۹۹ دارفانی را وداع گفت.

طالب، «برای جلب حمایت نماینده شش‌هزارمین در مجلس شورای ملی «اکبر صفی‌پور» به منظور تأسیس آموزش عالی کشاورزی در شهرستان نهاوند در رشته مدیریت مزرعه، مجذبه همکاری کردیم، که پس از چندبار پیگیری، به سرانجام نرسید.

— در سال‌های بعد، مهدی برای ادامه تحصیل به دانشگاه تولوز فرانسه اعزام شد و من هم در تهران، پیگیر امور مربوط به او بودم.

— پس از اتمام دوره دکتری ایشان در فرانسه و مراجعه به ایران و اشتغال به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، با پیگیری‌های وی، این بار او در تهران و من در دانشگاه تولوز فرانسه، مشغول به اتمام دوره دکتری خود در توسعه کشاورزی و عمران روستایی بودم.

— در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، هر دو همکار مشاوره‌ای در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شدیم، که طی آن ضمن همکاری با «دکتر محسن حبیبی» از دانشکده معماری دانشگاه تهران و «دکتر عباس سعیدی» از دانشگاه شهید بهشتی در ارائه مشاوره و تحقیق و بررسی‌های میدانی در زمینه‌های توسعه و عمران و آبادانی روستاها به نهاد جهاد سازندگی و بنیاد مسکن و دیگر موسسات مسئول، با هم، همراه بودیم.

— نه ساله بودم که در مهرماه ۱۳۲۴، شاهد به دنیا آمدن اولین خواهر زاده عزیزم «مهدی طالب» در شهر نهاوند بودم.

— ظهور و بروز هوش و ذکاوت مثال زدن‌ای او در دوران کودکی‌اش، نشانه‌ای از نبوغ و استعداد ذاتی او برای پیشرفت و مدیریت زندگی آینده‌اش بود.

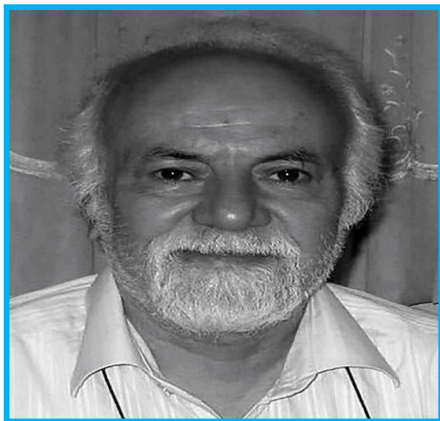
— دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در نهاوند طی کرد و در یکی از پایه‌های سیکل دوم، خودم هم مدتی به عنوان «دبیر کلاس» در کلاس زبان، به او و همکلاسی‌هایش، انگلیسی درس می‌دادم.

— آخرین سال از دوره متوسطه در رشته ریاضی را در دبیرستانی در انتهای خیابان ری در تهران گذرانید.

— از سال ۱۳۵۱ در گروه تحقیقات روستایی موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران به ریاست «دکتر کاظم ودیعی» و سپس «دکتر مشکات» و «دکتر غلامرضا سلیم»، همکار نیمه وقت شدیم.

— از مهر ۱۳۵۱، هر دومان در مدرسه عالی کشاورزی همدان به ریاست «دکتر علی اقبالی»، همکار نیمه وقت شدیم. من مدرس و مدیر گروه آموزشی ترویج کشاورزی بودم و او به عنوان مدرس و مدیر گروه آموزشی تعاون روستایی مشغول بود.

— در اوایل دهه ۵۰ به پیشنهاد اینجانب و همراهی «مهدی



قدیمی شادروان «دکتر مهدی طالب» و نیز شماری معدودی از دوستان و بستگان درجه اول وی [با توجه به محدودیت های مربوط به شیوع بیماری کووید ۱۹] برای همیشگی از او خداحافظی کردم.

- و در نشست دیگری از ساعت ۱۸ تا ۲۰ روز چهارشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۹ در تالار اجتماعات علمی دکتر علی شریعتی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با حضور «حجت الاسلام ابوترابی فرد» و «دکتر حسینی» معاون آموزشی دانشگاه تهران و ریاست و تنی چند از استادان و دانشجویان دوره های تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و «دکتر محمد میرزایی» استاد جمعیت شناسی دانشگاه تهران و «دکتر رکن الدین افتخاری»، استاد دانشگاه تربیت مدرس و رئیس انجمن توسعه روستایی ایران، این مجلس ترجمه به سبب محدودیت شیوع ویروس کرونا، به صورت «مجازی» برگزار شد. ولی، بینندگان و شنوندگان از طریق رسانه های الکترونیکی خود، ضمن قرائت فاتحه و ختم چهار دوره کلام الله مجید، و ارسال ده ها پیام متنی و صوتی، موجبات شادی روح دکتر طالب و تسلائی خاطر بازماندگان را فراهم نمودند. و باز هم در شب جمعه ۹ مرداد ۱۳۹۹ به هدایت «دکتر محبوبه بابایی» از همکاران دانشگاهی وی، به رسم طایفه ای لرستان سرفراز، مویه کتان به مرثیه خوانی پرداخت و نسخه ضبط شده آن تقدیم خانواده اش شد.

- و در پایان این دردنامه، از پیشگاه خداوند یکتا خواهان شادی روان «دکتر مهدی طالب» عزیز هستیم. و همچنین از خدا می خواهم که راهش در خدمت به آموزش و ترویج تعاون در فرآیند توسعه کشاورزی و عمران روستایی ایران عزیزمان، همواره پر رهرو باد.

* دکترای کشاورزی و آموزش ترویج و توسعه

- در اوایل دهه ۷۰، به دنبال حرکت ناموفقمان در اوایل دهه ۵۰ برای تاسیس آموزش عالی در نهانند، این بار اینجانب «اسماعیل شهبازی» با کمک «مهدی طالب» و گردهمایی و کمک جانانه گروهی از فرهیختگان همشهری چون «حسن پاسیار، مهندس محمد حسین علیمردیان، محمدرضا امامی، محمدتقی شهبازی، محمدعلی سیفی، علیرضا بحیرایی، حسین داودی، هوشنگ شهبازی، حاج درویش عصار، محمدرضا رزاقی، محمدجعفر شهبازی، علی علیمردیان، سیروس احمدی، حمید رضا چگینی و تنی چند از دیگر همشهریان علاقه مند به تاسیس آموزش عالی دولتی در شهرستان نهانند»، بالاخره در اوایل دهه ۸۰، نه تنها در تاسیس دانشگاه دولتی در نهانند توفیق حاصل شد، که چند موسسه آموزش عالی غیر دولتی دیگر هم در شهرستان نهانند تشکیل شد تا آنجا که ریاست افتخاری یکی از همین موسسات را هم شخص «دکتر مهدی طالب» تا همین اواخر بر عهده داشت.

- در دوران تصدی مدیریت گروه و یا معاونت آموزشی «دکتر مهدی طالب» در دانشکده های تعاون و علوم اجتماعی دانشگاه های تهران و علامه طباطبائی، بنا به دعوت او، اینجانب تدریس مواد درسی ترویج و توسعه کشاورزی و روستایی را بر عهده داشتم و همکار هم بودیم.

- در فرصت مطالعاتی ایشان در سال های ۷۱-۷۰ در دانشگاه های ژاپن، با پیگیری های «دکتر طالب» و به حمایت بنیاد مسکن، اینجانب هم به ژاپن اعزام شدم تا ضمن بازدید از مجتمع های آموزشی و پناهگاه های عمومی مردم، نحوه مقابله توده های جمعیتی و دانش آموزان مدارس ابتدایی با حادثه زلزله در شهرهای «شیذوکا» و دیگر مناطق نمونه را بررسی و کسب تجربه و اقدام به تهیه گزارش های آموزشی-ترویجی نمایم.

- در سال ۷۱، گزارش ماموریت محوله در ژاپن را به بنیاد مسکن، که در آن دوران امور مربوط به پیامدهای زلزله را پیگیری می کرد و نیز، به دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش ایران برای تهیه و تصویب و صدور مصوبه هایی در حفظ امنیت مدارس ارائه دادیم.

- در سال ۷۰ و در دوران حضور «دکتر طالب» در فرصت مطالعاتی در دانشگاه های ژاپن، کار ویراستاری فنی و ادبی پیش نویس کامل کتاب «مدیریت روستایی» او را تا مرحله طبع و نشر و اقدام به چاپ اول آن در موسسه انتشارات دانشگاه تهران بر عهده داشتم و به سر انجام رساندم.

- ... و قدم های متعدد دیگر که از لحاظ موضوعی در این مقال نمی گنجند.

و سر انجام در قدم هایی بدون همراهی مهدی عزیز:

- در تاریخ دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۹ شرکت در مراسم تشییع و تدفین پیکر پاک مهدی عزیز در قطعه ۲۰ بهشت زهرا با حضور «حجت الاسلام سید محمد حسن ابوترابی فرد»، از دوستان

حمید سیف*
مدرس دانشگاه



رشته کوه گرو قلب زاگرس

زاگرس در شرق ترکیه و نوار شمالی عراق هستند به عنوان زاگرس شمالی شناخته می‌شوند.

در یک تقسیم‌بندی دیگر، کوه‌های زاگرس به دو بخش اصلی قابل تفکیک هستند: زاگرس مرتفع و زاگرس چین‌خورده. مرتفع‌ترین قله زاگرس شامل دنا، زردکوه، کبیر کوه، اشترانکوه و گرین در زاگرس است.

بخش غربی و جنوبی رشته کوه‌های زاگرس، زاگرس چین‌خورده نامیده می‌شود. این بخش هم‌راستا با زاگرس مرتفع، تا خلیج فارس و تنگه هرمز ادامه می‌یابد. تاقدیس‌های بزرگ و کشیده از مشخصه‌های زاگرس چین‌خورده هستند.

از ارتفاعات مهم زاگرس میانی می‌توان به رشته کوه گرین (۳۶۰۰ متر) در حد فاصل استان‌های لرستان و همدان اشاره کرد. گرین با طول بیش از ۱۸۰ کیلومتر، بخش اعظم مساحت شهرستان‌های بروجرد، الشتر و نورآباد در استان لرستان، شهرستان نهاوند در استان همدان و نیز بخش‌هایی از استان کرمانشاه را فرا گرفته است.

قله‌های ولاش، چهل‌نابالغان، سسه‌کوزان، هژده‌یال و میش‌پرور از بلندترین ارتفاعات رشته کوه گرین هستند.

رشته کوه گرین یا گرو واژه گرین در گویش لری گرو گفته می‌شود که از زبان سانسکریت گرفته شده؛ گرو در سانسکریت به معنی بسیار بزرگ است؛ به نظر می‌رسد دلیل این نامگذاری این باشد که کوه گرو، بلندترین دیواره زاگرس است. زمانی که می‌خواستند نقشه‌های ایران را تهیه کنند، چون از ریشه واژه گرو آگاهی نداشتند، آن را گرین نوشتند، که نادرست است. گرو در ادامه چکاد اشترانکوه می‌باشد. این رشته کوه در استان کرمانشاه به کوه‌های پرو و بیستون می‌پیوندد. قله‌های بلند آن: بازگیر ۳۶۵۹ متر، هژده یال ۳۶۵۱ متر، ولاش ۳۶۰۸ متر، یال کبود ۳۵۷۰ متر، هیگه ۳۵۴۵ متر، سسه کوزان ۳۴۴۰ متر، برنجه ۳۳۲۷ متر، برف‌هل ۳۲۹۰ متر، غازچا ۳۲۰۰ متر، پیازکاران ۳۱۵۰ متر و شاه‌نشین ۲۹۷۷ متر است. گرو از غرب به شهرستان دلفان، از شمال به شهرستان نهاوند، از شرق به شهرستان بروجرد و از جنوب به شهرستان سلسله محدود می‌شود.

زاگرس رشته کوهی است که از شمال غرب تا جنوب غربی ایران کشیده شده است. این رشته کوه از کرانه‌های دریاچه وان در جنوب شرقی ترکیه آغاز شده و پس از گذشتن از استان‌های آذربایجان غربی، لرستان، همدان، مرکزی، اصفهان، فارس، کردستان، کرمانشاه، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، کرمان، بوشهر و هرمزگان ادامه یافته و به خلیج فارس می‌رسد. دامنه این رشته کوه تا شمال عراق نیز امتداد دارد.

نام باستانی رشته کوه زاگرس کُر یا کور است: بر طبق اسطوره‌شناسی سومری کور (کر) در اساس نام یک کوه یا کوه‌هایی بوده و به طور معمول به کوه‌های واقع در شرق سومر اطلاق می‌شده است. کور همچنین نام دیگر امپراتوری اکد است که از سه هزار سال پیش و قبل از آن در کل نواحی زاگرس گسترده شده بود.

کمر بند چین‌خورده و رانده زاگرس یک کمر بند طولانی در حدود ۱۸۰۰ کیلومتری از سنگ‌های پوسته‌ای تغییر شکل یافته است که در جبهه برخوردی بین صفحات عربی و اوراسیا تشکیل شده است. این چین‌خوردگی متوقف نشده و دگرگونی زمین در غرب ایران و منطقه زاگرس همچنان ادامه دارد. چین‌خوردگی‌های متعدد و وجود گنبدی‌های نمکی فراوان، زاگرس را به منطقه‌ای نفت‌خیز تبدیل کرده است.

از نظر زمین‌شناسی، زاگرس به دو یا سه بخش مجزا قابل تفکیک است: زاگرس شمالی، زاگرس میانی و زاگرس جنوبی. استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، بخش‌های جنوبی استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری، ارتفاعات شرقی استان بوشهر و ارتفاعات شمالی استان هرمزگان همگی زاگرس جنوبی محسوب می‌شوند. بخش‌های غربی استان اصفهان، بخش بزرگی از چهارمحال و بختیاری، استان لرستان، ارتفاعات شمالی-شرقی استان خوزستان، بخش‌های جنوبی استان‌های مرکزی و همدان از جمله مناطق زاگرس میانی محسوب می‌شوند. بخش‌های شمال غربی مناطق مذکور که شامل استان‌های ایلام، کرمانشاه، کردستان، بخش‌های جنوبی و غربی استان آذربایجان غربی، ارتفاعات

کوه‌های نهانوند را از نظر موقعیت جغرافیایی و ارتفاع می‌توان به سه رشته کوه غربی، جنوبی و شرقی تقسیم‌بندی کرد. هر کدام از این رشته کوه‌ها ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. رشته کوه غربی، که از منتهی‌الیه شمال غربی شهرستان نهانوند، از روستای سرخلج شروع و تا جنوب غربی یعنی گردنه و سراب گاماسیاب ختم می‌شود. رشته کوه جنوبی، درست از محلی که رشته کوه غربی پایان می‌یابد، یعنی آخرین روستای لرستان به نام اسلام آباد آغاز می‌شود (معروف به کوهستان چهل نابالغان) و تا جنوب شرقی انتهای منطقه کوهستانی بازگیر حوالی روستای سفیدخانی شهرستان نهانوند به سمت بروجد ادامه می‌یابد. رشته کوه شرقی، از شمال شرقی شهرستان نهانوند شروع می‌شود و به صورت ناپیوسته ادامه دارد تا در جنوب شرقی پایان می‌یابد. این رشته کوه، نسبت به دو رشته کوه دیگر ارتفاع کمتری دارد و نیز به دلیل عبور دو رودخانه که از شهرستان‌های ملایر و تویسرکان می‌آیند قطع می‌شود و در نهایت در جنوب شرقی شهرستان نهانوند، بعد از روستای میلاب، ارتفاع آن کم می‌شود و در نهایت پایان می‌یابد.

نکته جالب توجه در تمام کوه‌های نهانوند، مسکونی بودن قسمت‌هایی از این کوهستان‌ها در برهه‌هایی از تاریخ این سرزمین کهن سال است. شاهد این ادعا وجود خرابه‌ها و قبور قدیمی و قلعه‌های مخروبه و غارهای متعدد در این کوهستان هاست و همچنین اسامی قدیمی مانند قلا شیشه، قلا کهزاد، قلا دختر گپ، قلاجو و... است.

✱ کارشناس ارشد جغرافیا

● 1-Williams Monier Monier. A Sanskrit-Englishe Distionary. Oxford 1964, p.348

● ۲- نقشه ۱:۲۵۰۰۰۰ توپوگرافی لرستان چاپ آمریکا

گرو در گویش محلی گری نیز خوانده می‌شود و در گویش لکی گروین نامیده می‌شود و یکی از کانون‌های آبگیر دائمی لرستان است که رودهای دز و گاماسیاب را تغذیه می‌کند. سراب‌های فراوانی در دو سوی این کوه وجود دارد. سرچشمه‌های گیان، گاماسیاب، کهمان، کرتیل، اسبی، چله، خسروی، سازمان آب، مسجد، نیزه و... آب آشامیدنی و آب مورد نیاز کشاورزی دشتهای اطراف را تأمین می‌کنند.

صعود به کوه گرو از روستاهای غرب شهر بروجد ونایی و توزه زن، جنوب نهانوند از مسیر روستای ورائنه و سراب گاماسیاب یا شمال الشتر امکان پذیر است. راه اصلی صعود به قله یال کبود از مسیر سراب گاماسیاب در جنوب شهر نهانوند است که به دلیل داشتن جان پناه با ظرفیت ۳۰ نفر، آب آشامیدنی و سرویس بهداشتی مناسب، بهترین مسیر صعود به خصوص برای بانوان است. این مسیر صعود توسط دیرک‌های بلند نشانه گذاری شده که راهنمای مناسبی برای کوهنوردان به خصوص در فصل زمستان است. ده حیدر و ورائنه دو روستای زیبا در دامنه گرین در سمت نهانوند هستند. روستای ییلاقی ونایی در پای این کوه قرار دارد. در این کوه خرس، کفتار، گرگ و روباه زیست می‌کنند و در گذشته پلنگ نیز داشته است. راه صعود به قله و لاش هم از ونایی است و هم از روستای پرسک در شرق الشتر. [۱]، [۲] کوه‌های شهرستان نهانوند به «گری»، «گرو» و «گرین» معروف‌اند. بنا بر نوشته کتابچه جغرافیای ولایت نهانوند و خزل تالیف شده در سال ۱۳۹۸ قمری، قله مرتفع کوه گرو که معروف به چهل نابالغان است، از طرف شرقی کوه بلندتر می‌شود که آن قله را «چت بهرام» می‌نامند و از مغرب به مشرق کشیده شده است.

سلسله جبال زاگرس شمالی در شهرستان نهانوند به صورت سه رشته کوه از طرف غرب، جنوب و شرق، دشت هموار و حاصلخیز شهرستان نهانوند را احاطه نموده و با چشمه‌سارهای فراوان و سراب‌های بی نظیر و رودخانه‌های پر آب خود منطقه را آبیاری نموده و باعث سرسبزی و آبادانی آن گردیده است.



نگاهی به گویش نهاوندی (۱)

بازتاب زبان‌های باستانی در گویشی امروزی

می‌توان مشخص کرد:

لهجه عبارت است از شیوه تلفظ کلمات زبان در مناطق مختلف مانند: لهجه تهرانی، لهجه ترکی، لهجه اصفهانی و ... گویش شیوه کاربرد زبان در مناطق مختلف جغرافیایی است که به طور معمول دارای کلمات منحصر به خود و گاه شیوه خاص و محدودی از دستور زبان است، مانند گویش نهاوندی.

گویش‌ها به طور معمول بیشتر سمایی بوده و اقدام جدی در خصوص مکتوب کردن آنها تا سی سال اخیر انجام نشده است، همین سبب شده بسیاری از کلمات در آنها فراموش شده و با کلمات زبان رسمی جایگزین شود. به عنوان مثال در گویش نهاوندی چهار واژه «موزه»، «اورسی»، «پالا» و «گالش» در برابر واژه فارسی «کفش» وجود داشته است. «موزه» مربوط به کفش‌های درباری بوده که نوک آنها رو به بالا برگشته و به دلیل از میان رفتن این پوشش نزدیک به یک قرن است دیگر استفاده نمی‌شود، «اورسی» کفش رسمی و مهمانی‌های خاص بوده، «پالا» کفشی بوده که به صورت روزمره استفاده می‌شده و «گالش» به کفشی اطلاق می‌شده که راحت بوده و برای دویدن، کوه‌نوردی یا کارهای بدنی استفاده می‌شده است، اما در حال حاضر استفاده از آنها بسیار کم‌رنگ شده و تلفظی لهجه‌گونه از کفش به صورت «کوش» جایگزین شده است. حفظ، شناخت و صیانت از گویش‌ها در حفظ تنوع فرهنگی جوامع اهمیت به‌سزایی دارد و از سوی دیگر، تداوم و حضور زنده آن به میراث جامعه؛ غنا، تنوع و هویت می‌بخشد و بخش مهمی از معانی و لایه‌های پنهان فرهنگی را با خود منتقل می‌سازد.

گویش نهاوندی را می‌توان باقیمانده‌ای از زبان‌های ایرانی دوره میانه دانست که هنوز در شهر نهاوند به آن تکلم می‌شود. فهرست‌های «لینگویست» و «اتنولوگ»، گویش نهاوندی را زیرشاخه‌ای از لری شمالی دسته‌بندی کرده و «دانش‌نامه ایرانیکا» نهاوند را یکی از مهمترین مراکز گویش‌وران لری شمالی معرفی می‌کند؛ نظری دیگر گویش نهاوندی را از لهجه‌های غرب ایران و از شاخه‌های زبان و لهجه‌های جنوبی فارسی میانه معرفی می‌کند؛ این نظر را می‌توان بازی با کلمات

◆ گویش نهاوندی باقیمانده‌ای از زبان‌های ایرانی دوره میانه است که در شهر نهاوند به آن تکلم می‌شود

◆ گویش نهاوندی به واسطه حضور تاریخی دو زبان پهلوی و دری به مرور به تلفیقی از این دو تبدیل شده و در گذر زمان به شکل فعلی درآمده است

زبان و ابزارهای شفاهی به تصریح کنوانسیون ۲۰۰۳، پاریس یکی از مهم‌ترین نمودهای میراث ناملموس است که به عنوان محملی برای میراث ناملموس دانسته شده است. (چراغچی، ۱۳۸۳: ۲۵۰) زبان در کنار عوامل هویت‌بخش دیگری چون سرزمین، دین، نژاد و تاریخ قرار داشته و نقش هویت‌بخشی را در درون جوامع و بین کاربران آن ایفا می‌کند. بیشتر زبان‌های زنده دنیا میزبه یک ویژگی قومی، جغرافیایی و به تعبیری، نشان‌دهنده «کیفیتی از دانایی و کیفیتی از بودن در این عالم و فهم این عالم است» (بهشتی، ۱۳۹۴) به تعبیری دیگر کلمات ما و روش‌های بیان ما، سبک‌های مختلفی از بودن، فکر کردن، دیدن و عمل کردن هستند. (Reyhner, 2007: 4)

در مطالعات حوزه فولکلور، مردم‌شناسی و زبان‌شناسی اجتماعی نیز به خطر از دست رفتن میراث زبانی اشاره می‌گردد. (محمودی بختیاری، ۱۳۸۹: ۸۶) در این مطالعات عمده راهکارهای ارائه شده از سوی محققان، ثبت نوشتاری فرهنگ عامه (فولکلور) و ادبیات شفاهی است. (اولاد، ۱۳۹۱: Gzermset et al., 2003) با وجود اهمیت ثبت و مستندسازی میراث زبانی، این امر به تنهایی برای حفظ سیالت و پویایی این میراث کافی به نظر نمی‌رسد.

ذیل عنوان زبان، دو شاخه فرعی عمده لهجه و گویش را

«خَوَازَمَنی» تلفظ می‌شوند.

یکی از نکات جالب توجه در شهرستان نهاوند، تفاوت گویش بین شهر و دیگر مناطق تابعه است، گویش نهاوندی خاص شهر نهاوند است و در سایر مناطق گویش‌های گوناگون از لری، لکی، کردی و ترکی به چشم می‌خورد. تکلم کردن به گویش نهاوندی تا سال‌های نه‌چندان دور، نوعی برتری اجتماعی و وجه تمایز مردم شهر دانسته می‌شده، از این رو گویش‌وران نهاوندی که گویش خود را باقیمانده از دوران کهن می‌دانستند، به شدت با کاربرد کلمات بیگانه و ورود کلمات دیگر به این گویش مقابله می‌کردند، که همین امر سبب خالص ماندن واژگان و اصطلاحات این گویش تا حدود ۴۰ سال پیش شده است. جالب آنکه حتی ابزار جدید وارد شده نیز در گویش نهاوندی با تغییر نام و یا تغییر تلفظ وارد می‌شدند به گونه‌ای که خللی به یکپارچگی گویش وارد نکنند، به طور نمونه در گویش نهاوندی «زبرانداز» به «زبلو»، «فقل» به «قلف»، «لامپ» به «روشنایی»، «بش‌قبا» به «دوری»، «قاشق» به «دس‌کم‌چه»، «کفگیر» به «اسام» و «رادپو» به «رادپون» تبدیل شده بود.

به منظور تلاش برای استقلال گویش نهاوندی از زبان لری قلمداد کرد، زیرا زبان لری مهم‌ترین زبان در شاخه جنوبی زبان‌های ایران غربی است. زبان لری درون خود به گویش‌های متعددی نظیر فیلی، ممسنی، بختیاری، میانجی، ثلاثی و ... تقسیم می‌شود که از این میان گویش نهاوندی به شاخه ثلاثی که گویش مرسوم بین شهرهای نهاوند، بروجرد، ملایر و تویسرکان است، تعلق دارد.

از میان گویش‌های زبان لری، گویش نهاوندی شبیه‌ترین گویش به زبان فارسی است که در عین حال کلماتی مختص به خود را دارد که پیوستگی آنها با زبان‌های کهن ایرانی، نشان از دیرینگی این گویش دارد.

در خصوص ریشه گویش نهاوندی، می‌توان به گفته‌های ابن المقفع، ابن ندیم و یاقوت حموی اشاره کرد.

ابن ندیم زبان‌های ایران در دوره ساسانیان را اینگونه معرفی می‌کند: «پهلوی گویشی است که فرمانروایان در انجمن خود به آن سخن می‌گویند و با فِهلُو (پهل، پهلوی = پهلوانی، پارتی) مرتبط است، این نام برای معین ساختن پنج شهر ایران (اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند و آذربایجان) استفاده می‌شده است. پارسی گویشی است که روحانیان و مرتبطان با آنها با آن سخن می‌گویند و زبان شهرهای پارس است؛ دری گویش شهرهای مدائن سبیه است و درباریان با آن سخن می‌گویند.» (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۷۴) ملک الشعرای بهار در کتاب سبک‌شناسی به نقل از منابع مختلف این تقسیم‌بندی را تایید کرده است. (بهار، ۱۳۷۶) حمداله مستوفی شهرهای مدائن سبیه را هفت شهر تیسفون، حلوان، نهروان، مدائن، قادسیه، رومیه و نهاوند معرفی کرده و بنای آنها را به طهمورث و جمشید از پادشاهان پیشدادی نسبت می‌دهد.

از اشارات فوق می‌توان نتیجه گرفت، زبانی که در بین مردم نهاوند رواج داشته، به واسطه حضور دو زبان پهلوی و دری به مرور به تلفیقی از این دو تبدیل شده که در طی قرون مختلف تحت تاثیر شرایط و اتفاقات گوناگون به گویشی که امروز در میان مردم رواج دارد، تبدیل شده است.

نزدیکی گویش نهاوندی به زبان فارسی امروز را می‌توان به دلیل همین ریشه‌های مشترک دانست. نوع ادای کلمات در زبان فارسی به گونه‌ای شکسته و در نوع بیان بسیار شبیه گویش نهاوندی است؛ به عنوان نمونه کلمه نوشتاری «خانه» در فارسی معیار «خونه» و در گویش نهاوندی «خنه» و کلمه نوشتاری «باران» به ترتیب «بارون» و «بارو» تلفظ می‌شوند. یکی دیگر از تفاوت‌های گفتار و نوشتار در زبان فارسی، «واو» محذوف در برخی کلمات است که در این مورد گویش نهاوندی به شیوه نوشتار وفادار مانده و آنرا تلفظ می‌کند: کلمه «خواهر» در فارسی امروز «خاهر» و در گویش نهاوندی «خوار» و کلمه «خواستگاری» به ترتیب «خاستگاری» و

● ابن ندیم (۱۳۶۶)، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر

● اولاد، فروغ (۱۳۹۱)، «وندالیزم و اهمیت حفظ میراث فرهنگی»، مجله فرهنگ مردم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۴۲ و ۴۴، ص ۱۰۵-۱۱۴

● بهار، محمد تقی (ملک الشعرای)، (۱۳۷۶)، سبک شناسی: دوره سه جلدی، تهران: انتشارات مجید

● بهشتی، سید محمد (۱۳۹۴)، همایش بین‌المللی میراث زبانی به همت پژوهشکده زبان شناسی، کتبی‌ها و متون.

● چراغچی، سوسن (۱۳۸۳)، کنوانسیون صیانت از میراث فرهنگی ناملموس: یونسکو ۱۷ اکتبر ۲۰۰۳، ترجمه فارسی، مجله اثر، شماره ۳۶ و ۳۷، ص ۲۴۵-۲۵۸

● محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۸۹)، مستندسازی و بررسی گویش‌های ایرانی به عنوان میراث فرهنگی، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شماره ۲، ص ۸۵-۱۰۴

● Czermak, K; Delanghe, P. & Wang, W. (2003). Preservation Intangible Cultural Heritage in Indonesia, a Pilot Project on Oral Tradition and Language Preservation. UNESCO Jakarta, Indonesia

● Reyhner, J. (2007), Rationale and Needs for Stabilizing Indigenous Language. Stabilizing Indigenous Languages, Flagstaff: Center for Excellence in Education, Northern Arizona University Flagstaff Revised. Cantoni, G. (Ed.)



آبروی ثکی ی وَختی تُکس دیه تممه

آبرو قطره‌های ست وقتی چکید دیگر تمام است.

آبرو بسیار گرانبه‌است و همانند قطره‌ای با ارزش است که انجام دادن یک اشتباه ممکن است باعث نابودی آبرو شده و یک عمر پشیمانی به همراه داشته باشد بنابراین بسیار باید مراقب بود که خدشه‌ای به آن وارد نشود. این مثال هشدار می‌دهد که جهت حفظ آبرو که ممکن است با یک بی‌احتیاطی به هدر رود.

آرویزی پیر مین ریت، تاربت با

الکی (غریبال) بگیر جلوی صورتت تا رویت بشود.

خطاب به افرادی اظهار خجالت بی‌جا می‌کنند برای چنین افرادی توصیه می‌شود آبکش را جلوی صورت خود بگیرند تا از فاصله‌های بین آن به بیرون نگاه کرده و خجالت نکشند.

آشیش نره اشگین گو...ش در خد می‌شگین

آشش مخلفات ندارد اما [...] درخت را می‌شکند.

کسانی که به بدون داشتن جایگاه مالی و اجتماعی مناسب و حتی بدون داشتن حداقل مادیات زندگی ادعای بیش از حد دارند به طور کلی به این معنی است که خود بزرگ‌بینی و فخر فروسی طرف، هیچ‌گونه وجهه قابل قبولی ندارد.

آشی پُختِم وره بچونِم مِتَش نام سر میمنِم

غذایی پخت‌م برای بچه‌هایم ولی متش را روی مهمان‌هایم گذاشتم.

نوعی تواضع میزبان است در حضور مهمان به این معنی است که: برای شما تدارک خاصی ندیده‌ام و آنچه هم هست غذای خودمان بوده است. گاهی نیز مصداق این است که کسی کاری را برای خودش انجام می‌دهد ولی منت آنرا روی دیگری می‌گذارد.

آم آمیدی مال وری ششی ش؟ آم نآمید مال وری ششی ش؟!

آدم آمیدی مال را برای چه می‌خواهد و آدم نآمید مال را برای چه می‌خواهد؟

آدم کاردان بدون مال به موفقیت می‌رسد. یعنی شخص شایسته‌ای است که خود به دنبال کسب مال است و آدم ناشی (شخصی ناامیدی است که حتی با داشتن ارث زیاد به جایی نمی‌رسد) حتی با مال هم موفق نمی‌شود.

آم خنی شان ک دی خنه خُش خِراو نمُگنه

آدم خانه شاه را که دید (کاخ‌های مجلل) خانه خود را خراب نمی‌کند.

انسان باید به آنچه که دارد قانع باشد و با دیدن امکانات دیگران سست نشود زیرا چه بسیارند افرادی که امکانات ما را ندارند و در حسرت هستند.

آم در میار دین او زلال کو

آدم را به دین آب زلال کن (حشهرات کوچکی همانند سنجاقک) درمی‌آورد.

اصطلاحی است به معنی اینکه شخص آنقدر اذیت می‌شود که باورهایش از بین می‌رود و همه چیز را منکر می‌شود. برای اعتراض به کسانی که زیاد از حد سر به سر دیگران می‌گذارند و طرف را کلافه و درمانده می‌کنند، به کار می‌رود.

آمایم خروس خن، نخن.

آمایم خروسی که همیشه می‌خواند این بار نخواند.

کسانی که سهل‌انگار هستند به عاقبت کارهایی که برنامه‌ریزی کرده‌اند، نمی‌انديشند و بیش از حد به انجام کار به روال همیشگی تکیه می‌کنند. پس نباید روی پیشامدها حساب باز کرد هنگامی که کسی کار را بر اساس روند همیشگی و پیشامدهای موافق بنا می‌نهد و بیش از حد به انجام کار طبق روال گذشته متکی است این مثال را به وی گوشزد می‌کنند.

گردشگری شهری موتور محرک نهادند

[مهدی رضائی مفرد/ پژوهشگر]

صفحه ۲۶

● در جهان امروز گردشگری به عنوان یک صنعت شناخته شده و در رده صنایع پولساز رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است.

● گردشگری زمینه‌ای مناسب برای اشتغال فراهم می‌آورد و برای جوامعی با جمعیت جوان و متقاضی کار به شدت مفید است.

● شهرستان نهاوند از نظر قابلیت‌های گردشگری تنوع بسیاری دارد به شکلی که امکان جذب گردشگر در بسیاری از زیر بخش‌های گردشگری در آن نهفته شده است.

● ساختار شهری نهاوند به گونه‌ای است که چندین منطقه گردشگری می‌توانند جاذبه‌های متنوعی را برای جذب گردشگر به همراه داشته باشد.

● گردشگری شهری بازدید از شهرهاست و هدف آن دیدار از مکان‌های دیدنی، خرید کردن، انجام کسب و کار یا لذت بردن از سرگرمی‌های موجود در فضای شهر است.

● گردشگری شهری یکی از پیچیده‌ترین انواع گردشگری از نظر مدیریتی می‌باشد. با وجود این، هر روز بر شمار شهرهایی که خواستار جذب گردشگر هستند، افزوده می‌شود.

● توسعه گردشگری شهری نیازمند مدیریتی قوی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب می‌باشد، که مهمترین آنها وجود امکانات رفاهی و تفریحی، معرفی درست قابلیت‌ها، سوق دادن گردشگران به مکان‌هایی نظیر بازار و ایجاد جاذبه‌های گردشگری می‌باشد.

● امروزه پدیده گردشگری شهری به دلیل ویژگی‌های محیط طبیعی در حال ایجاد پیوند عملکردی با طبیعت‌گردی می‌باشد و همین امر یکی از عوامل افزایش جذب گردشگران و نیز افزایش میل به مدت ماندگاری بیشتر آنان می‌باشد.



عکس: محمدرضا سیفی بهمنی

سراب فارسبان نهاوند